

رهیافتی نو به بنیانهای نظری پیش‌گیری از جرم

مهرداد رایجیان اصلی*

چکیده: این مقاله تلاش می‌کند تا رهیافتی نو از پیش‌گیری از جرم را در پرتو سیاست جنائی بشناساند. ویژگی این رهیافت آن است که یک دیدگاه دوگانه حقوقی - جرم‌شناسانه در آن بازتاب می‌یابد. از دیدگاه حقوقی، نویسنده از ویژگی پیش‌گیرنده ضمانت اجرای کیفری در پرتو نظریه‌های کیفرشناسانه سخن می‌گوید. از دیدگاه جرم‌شناسی نیز نقش ابزارهای آموزشی - پرورشی از رهگذر نهادهای اجتماعی همچون خانواده و مدرسه، از یک سو، و ابزارهای فنی یا همان سازوکارهای فناورانه، از دیگر سو، در پیش‌گیری به محکب تحلیل گذاشته می‌شود. گونه‌شناسی مورد نظر در این دو دیدگاه خود بر پایه یک طبقه‌بندی کلی، دربردارنده پیش‌گیری واکنشی و کنشی، گنجانده و شناسانده شده‌اند.

واژگان کلیدی: پیش‌گیری از جرم؛ سیاست جنائی؛ جرم‌شناسی،
کیفرشناسی؛ جرم‌انگاری؛ جرم‌زدایی؛ قضا‌دایی؛
پیش‌گیری واکنشی؛ پیش‌گیری کنشی.

درآمد

«پیش‌گیری از جرم»^(۱) یکی از مفاهیم کلیدی در ادبیات علوم جنائی است و جایگاه مهمی در سیاست جنائی دارد. این مفهوم که از دهه هفتاد خورشیدی به ادبیات علوم جنائی ایران راه یافت، امروزه - به ویژه از بُعد بنیانهای نظری - در محافل دانشگاهی و حتی مجامع سیاست‌گذاری و اجرایی موضوعی شناخته شده به شمار می‌آید. از جنبه دانشگاهی، پیش‌گیری از جرم موضوع درس کلاسهای کارشناسی ارشد و دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی در دانشگاههای گوناگون بوده است که فرآورده‌های آن در نزدیک به یک دهه جامعه جزوه‌های درسی و مقاله‌های علمی بر تن کرده است.^(۲) از جنبه اجرایی و در سطح سیاست‌گذاری هم به دنبال تلاشهایی که قوه قضائیه از دهه ۱۳۶۰ خورشیدی برای عملی کردن بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی آغاز کرده بود،^(۳) هم اکنون قوه قضائیه با تهیه «پیش‌نویس لایحه قانون پیش‌گیری از جرم» تدوین یک «برنامه ملی پیش‌گیری از جرم» را دنبال می‌کند.^(۴)

الف) مفهوم پیش‌گیری

پیش‌گیری در واژه‌شناسی به معنای «جلوگیری و دفع» آمده است و پیش‌گیری کردن یعنی «مانع شدن»،^(۵) که با مفهوم اصطلاحی آن در علوم جنائی

1. prevention of crime/crime prevention.

۲. ر.ک: مباحثی در علوم جنائی، مجموعه تقریرات نجفی ابرندآبادی (علی‌حسین)، به کوشش رایجیان اصلی (مهرداد) و ابراهیمی (شهرام)، تهران، ۱۳۸۲.

۳. تأسیس «مرکز مطالعات حقوقی و قضائی دادگستری» در سال ۱۳۶۳ و تشکیل «ستاد پیش‌گیری از وقوع جرم» در سال ۱۳۷۰ از جمله این تلاش‌هاست. گفتنی است برپایه بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی «اقدام مناسب برای پیش‌گیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان» از وظایف قوه قضائیه است.

۴. برای آگاهی بیشتر ر.ک: نیازپور (امیرحسین)، پیش‌گیری از بزهکاری در قانون اساسی و لایحه پیش‌گیری از وقوع جرم، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۵، زمستان ۱۳۸۲.

۵. معین (محمد)، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، جلد اول، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۱، ص ۹۳۳.

هماهنگی دارد. پیش‌گیری، آن چنان که برخی جرم‌شناسان گفته‌اند، امروزه بیشتر در معنای «پیش‌دستی کردن» یا «آگاه کردن و هشدار دادن» به کار می‌رود.^(۱) بدین ترتیب، مفهوم نخستینِ امروزی با آنچه در ادبیات علوم جنائی به نام پیش‌گیری شناخته می‌شود، سازگارتر است. پیش‌گیری در علوم جنائی پیش از هر چیزی یکی از مفاهیم شناخته شده در «جرم‌شناسی» است (الف) که در حوزه گسترده‌تری به نام «سیاست جنائی» نیز قرار می‌گیرد. (ب)

۱- مفهوم پیش‌گیری در جرم‌شناسی

پیش‌گیری در جرم‌شناسی یعنی جلوگیری از بزهکاری با شیوه‌های گوناگونی که بیرون از نظام کیفری به کار می‌روند. بنابر این، گرانیک‌گاه پیش‌گیری در جرم‌شناسی تدابیر کنشی است. این تدابیر پیش‌گیرانه که به طور جدی نخستین بار از سوی یکی از پرچم‌داران مکتب تحقیقی یا اثباتی (یعنی انریکو فری) مطرح شد، از اقدام‌های پیش‌گیرانه واکنشی جدا می‌شوند.^(۲) فری با بینشی میانه‌رو و خوش‌بینانه یک رشته تدابیر دفاع اجتماعی را که هم زمان بتواند دربرگیرنده فرد بزهکار و محیط اجتماعی باشد، پیشنهاد کرد. در باور فری «محیط اجتماعی باید به گونه‌ای سازمان داده شود که پیش‌گیری از وقوع جرم در آن ملحوظ باشد».^(۳) مفهوم جرم‌شناسانه پیش‌گیری که در اندیشه نامورانی چون فری بارور شده بود، در میان اندیشمندانِ امروزی نیز بازتاب داشته است. رمون گسن - جرم‌شناس فرانسوی - پیش‌گیری را مجموعه

۱. نجفی ابرندآبادی (علی‌حسین)، *پیش‌گیری از بزهکاری و پلیس محلی*، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۵-۲۶، ۱۳۷۸، ص ۱۳۵.

۲. تعبیر دیگری که برای این دو مفهوم به کار برده‌اند، «پیش‌گیری غیرکیفری و کیفری» است که به نظر می‌رسد رسایی دو واژه‌ای که در متن به کار رفته است را ندارند. زیرا، همچنان که خواهیم دید پیش‌گیری واکنشی همیشه دربردارنده یک اقدام کیفری - ضمانت اجرای کیفری - نیست.

۳. برای آگاهی بیشتر رک: پرادل (زان)، *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، ترجمه نجفی ابرندآبادی (علی‌حسین)، انتشارات سمت، ۱۳۸۱، صص ۹۸-۹۶.

اقدامهایی - جز تدابیر کیفری - می‌داند که هدف غایی آن محدود کردن گسترده جرائم، ناممکن ساختن، دشوار کردن یا کاستن امکان وقوع جرم باشد.^(۱) موریس کوسن - جرم‌شناس کانادایی - نیز پیش‌گیری را تدابیر غیر قهرآمیز یا غیر سرکوبگری می‌داند که هدف آن، مهار بزهکاری یا کاهش امکان وقوع جرم است.^(۲)

بدین ترتیب، با توجه به آنچه درباره مفهوم پیش‌گیری در جرم‌شناسی گفته شد، مؤلفه‌های این مفهوم را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

نخست: اقدام پیش‌گیرانه تدبیری است که قهرآمیز یا سرکوبگر نباشد. بنابراین، ضمانت اجراهای کیفری - چه با هدف سزادهی یا اصلاح - بازپروری و... - از گستره مفهوم جرم‌شناسانه پیش‌گیری بیرون می‌مانند.

دوم: اقدام پیش‌گیرانه تدبیری است که به طور مستقیم به پیش‌گیری اختصاص یافته باشد. بنابراین، اثر نهادهایی چون «آموزش و پرورش» را تنها به طور نامستقیم و در کنار دیگر تدابیر و ابزارها می‌توان پیش‌گیرنده به شمار آورد.

سوم: اقدام پیش‌گیرانه اگر به ریشه‌کنی جرائم نینجامد، باید از شمار آن بکاهد. به دیگر سخن، پیش‌گیری از جرم در بردارنده تدابیری است که بر «فرایند گذار اندیشه مجرمانه به فعل»^(۳) تأثیر بگذارد. جرم‌انگاری رفتارهایی چون حمل اسلحه یا ضرب و جرح (برای پیش‌گیری از قتل) یا ولگردی و تکدی (برای پیش‌گیری از سرقت) نیز بر همین پایه انجام می‌شود.

۱. برگرفته از: *مباحثی در علوم جنائی*، تقریرات نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، پیش‌گیری از جرم، به کوشش رایجیان اصلی (مهرداد) و ابراهیمی (شهرام)، تهران، ۱۳۸۲، ص ۷.
۲. همان.

۳. *acting out* در نظریه بویایی جنائی، یعنی روابط و میان‌کنشهای عواملی که از رهگذار پاره‌ای فرایندها، گذار اندیشه به عمل مجرمانه (به فعل درآوردن یا برون‌ریزی) را زیر پوشش خود می‌گیرند. برای آگاهی بیشتر ر.ک: نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، هاشم‌بیکی (حمید)، *دانشنامه جرم‌شناسی*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷، ص ۳.

چهارم: اقدام پیش‌گیرانه نه تنها از راه «فرایند‌گذار اندیشه به عمل» بر فرد تأثیر می‌گذارد، بلکه بر موقعیتها یا شرایط محیطی نیز مؤثر است. این مؤلفه - که مبنای یکی از تازه‌ترین تقسیم‌بندیهای پیش‌گیری نیز قرار گرفته است - می‌رساند که پیش‌گیری باید هم زمان دربردارنده فرد و محیط پیرامون او باشد.^(۱)

۲- مفهوم پیش‌گیری در سیاست جنائی

سیاست جنائی به منزله یک رشته مطالعاتی مستقل و میان‌رشته‌ای در علوم جنائی، هم از ابزارهای حقوق کیفری و هم از یافته‌های جرم‌شناسی برای پاسخ به پدیده مجرمانه بهره می‌برد. ترجمان این پاسخها در سیاست جنائی مفهومی به نام «پاسخ پیش‌گیرانه» است^(۲) که به دلیل تنوع به «پاسخهای واکنشی و کنشی» بخش می‌شوند. «پاسخهای پیش‌گیرانه کیفری» یکی از مؤلفه‌های «مفهوم مضیق» سیاست جنائی است (سیاست کیفری) که در آن، پیش‌گیری از جرم صرفاً با سرکوبی و اجرای مجازات محقق می‌شود^(۳) (پیش‌گیری واکنشی) و پیش‌گیری کنشی در آن جایگاهی ندارد. پیش‌گیری واکنشی در این مفهوم یکی از ابزارهای سیاست جنائی برای کنترل جرم است که اصولاً در انحصار دولت قرار دارد و به جامعه مدنی واگذار نمی‌شود. در نظامهای امروزی اصولاً، دولت با جرم‌انگاری رفتارهای نقض‌کننده نظم عمومی و پیش‌بینی کیفرهای گوناگون، به مبارزه با بزهکاری و پیش‌گیری از

۱. مباحثی در علوم جنائی، صص ۸-۹.

۲. در نوشته‌های فارسی سیاست جنائی معمولاً «پاسخهای پیش‌گیرانه» را همان پاسخهای غیر کیفری می‌شناسند و آنها را از پاسخهای کیفری (ضمانت اجراهای کیفری) جدا می‌کنند. ولی، ما مفهوم گسترده‌ای از پیش‌گیری و پاسخهای پیش‌گیرانه را، که هر دو گونه کیفری و غیر کیفری آن - یا به تعبیر ما «واکنشی و کنشی» - را دربرمی‌گیرد، در نظر گرفته‌ایم.

۳. لازرز (کریستین)، «وآمدی بر سیاست جنائی»، برگردان: نجفی ابرندآبادی (علی حسین)،

جرم می‌پردازد.^(۱) در کنار پیش‌گیری واکنشی، «پاسخهای پیش‌گیرانه غیرکیفری» تدابیر و شیوه‌های گوناگونی است که برای جلوگیری از بزهکاری در بیرون از نظام کیفری به کار می‌روند (پیش‌گیری کنشی). گسترش پاسخهای سیاست جنائی به تدابیر پیش‌گیرنده، در «مفهوم موسع» سیاست جنائی ریشه دارد که آن را از ابتکارهای حقوق‌دان فرانسوی - مارک آنسل - باید دانست. در باور آنسل، همان‌گونه که قلمرو بزهکاری از جرم (بزه) به انحراف (کژروی) گسترش پیدا کرده است، دغدغه‌های سیاست جنائی را باید به پیش‌گیری از نارساییهای کارکردی جرم‌زا- یعنی عوامل اجتماعی زمینه‌ساز ارتکاب جرم - نیز گسترش داد.^(۲)

بدین ترتیب، پیش‌گیری در سیاست جنائی در بردارنده شیوه‌های گوناگونی است که برای جلوگیری از بزهکاری به کار می‌رود. این شیوه‌ها از دیدگاه علمی (جرم‌شناختی) عبارت است از هر اقدام سیاست جنائی با هدف محدود ساختن امکان رویداد جنائی از راه ناممکن ساختن، دشوار کردن یا کاستن از احتمال وقوع آن، بدون اینکه در این راه بر تهدید کیفر یا اجرای آن تکیه شود.^(۳) از دیدگاه حقوقی (با تأکید بر نظام کیفری) نیز این

۱. البته در پاره‌ای موارد ممکن است قانون‌گذار به‌رغم جرم‌انگاری و پیش‌بینی کیفر، ابتکار به کیفر رساندن قانون‌شکنان را به شهروندان واگذار کند (عدالت خصوصی) که به نظر ما نه تنها نظم عمومی را تأمین نمی‌کند، بلکه بسستر مناسبی برای سوءاستفاده و گسترش بی‌نظمی فراهم می‌سازد. برای نمونه، در تبصره ۲ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ به شخصی که به مهدورالدم بودن دیگری معتقد باشد، اجازه داده شده تا آن دیگری را بکشد. در این صورت، چنانچه قاتل بتواند ادعای خود را درباره مهدورالدم بودن مقتول به اثبات برساند، قصاص و دیه از او ساقط است. این موضوع به گونه دیگری در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ به چشم می‌خورد که در آن به شوهری که همسر خود را در حال زنا با مرد بیگانه ببیند، اجازه داده شده تا هر دو را به قتل برساند. در چنین مواردی قوانین کیفری نه تنها در رسالت واقعی خود - یعنی پیش‌گیری از جرم - ناکام می‌مانند، بلکه برعکس به قوانینی جرم‌زا دگرگون می‌شوند.

۲. لازرژ (کریستین)، ص ۱۴.

۳. نجفی‌ابرنادآبادی (علی‌حسین)، پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، ص ۱۳۶.

شیوه‌ها ابزارهای قهرآمیز و سرکوبگر سیاست جنائی یا معمولاً همان ضمانت اجراهای کیفری است که از راه بازدارندگی یا سزادهی هدف جلوگیری یا کاستن از شمار جرائم را دنبال می‌کند. بنابر این، سیاست جنائی بر پایه این دو رویکرد همه تدابیر واکنشی و کنشی را در بر می‌گیرد. تدابیری که حکومت به کمک بازوهای (قانون‌گذاری، قضائی و اجرائی) خود با هدف محدود کردن و مهار بزهکاری - یعنی همان پیشگیری از جرم - به اعمال آنها می‌پردازد و همچون سیاستهای دیگر حکومت، نقش مردم در آن اهمیت فراوانی دارد.^(۱)

ب) رهیافت مقاله حاضر

وجود دیدگاههای گوناگون درباره مفهوم پیشگیری تعریفها و مفاهیم متنوعی را به میان می‌کشد که این تنوع در گونه‌شناسی پیشگیری نیز بی‌تأثیر نیست. در این جا قصد نداریم تا به تکرار طبقه‌بندیهای گوناگونی که از پیشگیری ارائه شده پردازیم^(۲)، بلکه تنها تلاش می‌کنیم تا بر پایه مفهوم‌شناسی پیشگیری رهیافتی نو از گونه‌شناسی پیشگیری را بشناسانیم.

در طبقه‌بندی کلاسیک، پیشگیری را به «پیشگیری کیفری و غیرکیفری» بخش‌بندی کرده‌اند. ولی، این بخش‌بندی که بر پایه مطالعه تاریخ تحولات کیفری استوار است، بی‌گمان از پوشش کامل یافته‌های علمی (جرم‌شناختی) اثرگذار بر این مفهوم باز می‌ماند. در یکی از تازه‌ترین طبقه‌بندیها که تأثیر یافته‌های جرم‌شناسانه امروزی در آن آشکار است، پیشگیری را به «وضعیت‌مدار» و «فردمدار» تقسیم کرده‌اند.^(۳)

۱. نوربها (رضا)، سیاست جنائی سرگردان، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۶-۲۵، ۱۳۷۸، ص ۱۱۰.
۲. برای آگاهی بیشتر رک: میاحی در علوم جنائی، تقریرات نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، جرم‌شناسی (پیشگیری) تهیه و تنظیم: بابایی (محمدعلی)، به کوشش رایجیان اصلی (مهرداد) و ابراهیمی (شهرام)، تهران ۱۳۸۲.
۳. همان، ص ۱۰.

واقعیت آن است که هر یک از این بخش‌بندیها از دیدگاه خاص خود به این موضوع می‌پردازند. ولی، امتیاز طبقه‌بندی نخست در این است که هر دو دیدگاه حقوقی و جرم‌شناسانه که پیشتر بررسی شد، تا اندازه‌ای در آن بازتاب یافته‌اند. به دیگر سخن، جزء دوم این طبقه‌بندی (یعنی، پیش‌گیری غیرکیفری) هر دو جزء طبقه‌بندی دوم (یعنی، پیش‌گیری وضعیت‌مدار و فردمدار) را در برمی‌گیرد. ولی، از آنجا که با توجه به مفهوم موسع و امروزی سیاست جنائی پاسخ‌های پیش‌گیرانه در جزء نخست طبقه‌بندی کلاسیک (یعنی، پیش‌گیری کیفری) نمی‌تواند تنها دربردارنده پاسخ‌های کیفری یا مجازات به معنای خاص آن باشد، نگارنده بخش‌بندی پیش‌گیری به واکنشی و کنشی را به جای پیش‌گیری کیفری و غیرکیفری درست‌تر و روا می‌داند. از این رو، نگارنده با در نظر گرفتن بخش‌بندیهای پیش‌گفته، طبقه‌بندی بر پایه دو مین مفهوم از پیش‌گیری (مفهوم‌شناسی در سیاست جنائی) را - به دلیل پوشش‌پذیر بودن هر دو دیدگاه حقوقی و جرم‌شناسانه در آن - ترجیح می‌دهد و طبقه‌بندی زیر را معرفی می‌کند.^(۱)

گفتار نخست) مفهوم حقوقی پیش‌گیری و گونه‌شناسی آن بر پایه کارکردهای کیفرشناختی

مطالعه کارکردها یا نقشهای کیفر که موضوع دانش مستقلی به نام «کیفرشناسی» است خود فصل مشخصی در گونه‌شناسی پیش‌گیری می‌گشاید. تنوع دیدگاهها در این قلمرو نیز بر گونه‌شناسی موضوع بحث ما

۱. ویژگی رهیافت معرفی شده در این مقاله آن است که بر پایه مفهوم موسع سیاست جنائی، پیش‌گیری از جرم را که پیش از این بیشتر در چهارچوب یکی از دیدگاههای حقوقی یا جرم‌شناسانه تحلیل می‌شد، در چهارچوب دیدگاه تلفیقی (یعنی، هم زمان دربرگیرنده دو دیدگاه حقوقی و جرم‌شناسانه) بررسی می‌کند. زیرا، سیاست جنائی در این مفهوم نه تنها حقوق کیفری را به منزله هسته مرکزی اصلی خود در بردارد، بلکه جرم‌شناسی را نیز در پیوند با حقوق کیفری و دیگر اقسام پیرامون هسته مرکزی (مانند حقوق مدنی، اداری، انضباطی...) دربرمی‌گیرد.

تأثیر می‌گذارد. برنار بولک - حقوق‌دان فرانسوی - کارکردهای ضمانت اجراها را به «کارکردهای اخلاقی و فایده‌مند» بخش می‌کند.^(۱) از دیدگاهی دیگر، کارکردهایی چون: «بازدارندگی، اصلاح و بازپروری، ناتوان‌سازی، شرمساری بازگرداننده» را می‌توان از نقشهای ضمانت اجراهای کیفری به شمار آورد.^(۲) به نظر ما، هر یک از این کارکردها را می‌توان در چهارچوب یک طبقه‌بندی دوگانه از پیش‌گیری به شرح زیر بررسی کرد:

الف) پیش‌گیری واکنشی فراگیر: راهبردهای پیش‌رونده و پس‌رونده
پیش‌گیری واکنشی فراگیر در ساده‌ترین تعریف یعنی مبارزه با علتهای عمومی بزهکاری که از دیدگاه کیفرشناختی اصولاً دو رکن دارد:
- ترساندن^(۳) (ارعاب یا بازدارندگی جمعی)^(۴)
- متنبه کردن یا عبرت‌آموزی^(۵)

۱. بولک (برنار)، *کیفرشناسی*، ترجمه نجفی ابرندآبادی (علی‌حسین)، انتشارات مجد، چاب سوم، ۱۳۸۲، ص ۳۵-۹.
۲. در نوشته‌های کیفرشناسان تعبیر دیگری به نام «سزادهی» نیز به چشم می‌خورد که گاه آن را یکی از کارکردهای کیفر دانسته‌اند. سزادهی که در چهارچوب نظریه‌ای به همین نام در تاریخ آموزه‌های کیفری مطرح شده است به زبان ساده یعنی به کیفر رساندن بزهکار به دلیل سزاواری او به تحمل کیفر. دیدگاه سزادهی به دلیل نگاه واپس‌گرایی که به جرم دارد، از نظریه دیگری با ویژگی آینده‌نگر و پیامدگرا- به نام «کاهش جرم» - جدا می‌شود؛ نظریه‌ای که پیام آن را می‌توان در «پیش‌گیری از جرم» خلاصه کرد و مبنای گونه‌شناسی پیش‌گیری بر پایه کارکردهای کیفرشناختی در این مقاله قرار گرفته است.
۳. به طور کلی، ترساندن، ارعاب یا بازدارندگی (deterrence) از دیدگاه آموزه‌های کیفری و جرم‌شناسی یعنی این اندیشه که از رویداد جرم می‌نوان از رهگذر ترساندن عموم مردم از کیفر جلوگیری کرد، با این فرض که اگر آنان قانون را نقض کنند، چنین کیفری را دریافت خواهند کرد. برای آگاهی بیشتر ر.ک:

Carrabinc (Eamonn) and Others; *Criminology: A sociological introduction*,
Routledge Pub., First Pub. 2004, p.376.

4. general deterrence.
5. exemplarity.

بازدارندگی یا اربابِ جمعی یکی از مؤلفه‌های نظریهٔ «کاهش جرم»^(۱) است. نظریه‌ای که با رویکردی آینده‌نگر و پیامدگرا تحمیل کیفر را راهی برای کاستن از میزان جرائم می‌شناسد. مبنای این نظریه یک استدلال اخلاقی به نام «سودمندی»^(۲) است که در اندیشه‌های ژریمی بنتام - فیلسوف انگلیسی - ریشه دارد و رفتارهای اخلاقی را رفتارهایی می‌داند که بالاترین خوشبختی را برای بیشترین افراد به همراه بیاورد. بر این پایه، اگر کیفر امکان رویداد جنائی (جرم) را کاهش دهد، پس، ناخوشایندی رنجی که مجرم می‌چشد با جلوگیری از رنج دیگران کاهش می‌یابد.^(۳) در پیش‌گیری واکنشی فراگیر این کاهش، نخست با ترساندن و بازداشتن شهروندان از ارتکاب جرم جامعهٔ عمل می‌بوشد که اصولاً از دو لایه می‌گذرد: مرحلهٔ جرم‌انگاری و پیش‌بینی کیفر در قانون، و اجرای کیفر پیش‌بینی شده در صورت نقض متن قانونی. بنابر این، اگرچه در نوشته‌های کیفرشناسان بازدارندگی فردی (بازداشتن و ترساندن فرد مرتکب) معمولاً پیش از بازدارندگی جمعی یا همگانی (بازداشتن و ترساندن همهٔ شهروندان) بحث می‌شود، از دیدگاه سیاست جنائی اثر بازدارندگی کیفر را در قانون باید پیش از اثر بازدارندگی آن در مرحلهٔ اجرا مورد توجه قرار داد.

دومین مؤلفهٔ پیش‌گیری واکنشی فراگیر - یعنی عبرت‌آموزی - به چگونگی گزینش و اجرای کیفر باز می‌گردد. کیفر ترساننده و بازدارنده باید برای دیگران عبرتی باشد تا بتواند کارکرد پیش‌گیرانه سودمندی داشته باشد. چنین کیفری نه تنها می‌تواند از تکرار جرم مرتکب، بلکه از تکرار آن توسط دیگر شهروندان (چه آنان که تاکنون جرمی مرتکب نشده‌اند و چه آنان که چنین

1. reductivism.

2. utilitarianism.

3. Cavadino (Michael) & Dignan (James), *The Penal System: An Introduction*, 3rd Edn, London, Sage, 2002, p.33.

کرده‌اند) جلوگیری کند.^(۱) دیدن صحنه کیفر یکی از ابزارهای عبرت‌آموزی است که در گذشته بیش از امروز کاربرد داشت. «اجرای علنی حدود» که در سالهای گذشته مورد توجه و تأکید دست‌اندرکاران عدالت جنائی ایران واقع شده است^(۲) ترجمان همین جنبه عبرت‌آموز کیفرهاست. این جنبه از عبرت‌آموزی در بردارنده این پیام است که اجرای کیفر نه تنها می‌تواند یادآور صحنه ارتکاب جرم در ذهن بزه‌کار باشد، بلکه برای کسانی که وسوسه تقلید از او را در سر می‌پروراندند نیز عبرت‌انگیز خواهد بود.

با وجود اهمیت موضوع پیش‌گیری و اکنشی فراگیر در مباحث کیفرشناختی، برخی نویسندگان اثر بازدارنده این گونه از پیش‌گیری را با تردید روبه‌رو ساخته‌اند. در باور این نویسندگان کارآیی نداشتن پیش‌گیری و اکنشی فراگیر را باید از محدود بودن اثر آن جدا کرد. یعنی اگر کسی ادعا نکند که بازدارندگی جمعی کارآیی ندارد، نمی‌تواند اثر محدود آن را انکار کند.^(۳) در عین حال، راه جبران این کم‌تأثیری همواره شدت کیفرها یا تشدید آنها نیست. زیرا، تجربه نشان داده است که کیفرهای سنگین نه تنها همیشه بازدارنده نبوده‌اند، بلکه بر افزایش جرائم نیز دامن زده‌اند.^(۴) بنابراین، اگرچه نمی‌توان اهمیت پیش‌گیری و اکنشی فراگیر را به منزله یکی از کارکردهای کیفر نادیده گرفت، آن را دستاویزی برای تشدید گسترده کیفرها نیز نمی‌توان دانست. گذشته از این مباحث کیفرشناختی، از دیدگاه سیاست جنائی دو راهبرد عمده برای پیش‌گیری و اکنشی فراگیر می‌توان برشمرد:

۱. بولک (برنار)، کیفرشناسی، ص ۳۲.

۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک: مرعشی (سیدمحمدحسن)، گفت‌وگو، اجرای علنی حدود، الهیات و حقوق، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۶، زمستان ۱۳۸۱، صص ۱۰۵.

3. *Ibid*, p.35.

۴. نوربها (رضا)، نگاهی به قانون مجازات اسلامی، صص ۷۳-۷۹.

۱- راهبرد پیش‌رونده: پیش‌گیری و واکنشی فراگیر از راه «جرم‌انگاری»^(۱) بازدارندگی جمعی یا همان نخستین مؤلفه پیش‌گیری و واکنشی فراگیر - چنان‌که پیشتر نیز گفتیم - نخست در مرحله جرم‌انگاری و پیش‌بینی کیفر در قانون تصویب پذیر است. بازدارندگی جمعی همواره از دیرباز مورد توجه قانون‌گذاران گوناگون بوده و جرم‌انگاری حربه‌ای است که آنان در این رهگذر برای پیش‌گیری از بزهکاری به کار می‌گیرند. جرم‌انگاری به زبان سیاست جنائی تقنینی فرایند ممنوع ساختن یک رفتار (فعل یا ترک فعل) با پیش‌بینی یک ضمانت اجرای مناسب^(۲) برای آن در قانون است. از آنجا که این فرایند رفتارهای جدیدی را زیر پوشش حقوق کیفری می‌گنجاند و به کارگیری آن با محدود ساختن آزادیهای فردی یا فضای آزاد شهروندان پیوند ناگسستنی دارد، از آن به «راهبرد پیش‌رونده» می‌توان یاد کرد.^(۳) با توجه به همین واقعیت، دولتها را به پیروی از دو موضوع مهم باید پای‌بند دانست:

نخست، رعایت «اصل قانونمندی جرم و کیفر» است؛ اصلی که ایجاب می‌کند رفتارهای نقض‌کننده ارزش‌های اساسی جامعه با ضمانت اجراهای مناسب، در قانون پیش‌بینی شده باشد.^(۴) «اصل قانونمندی» یکی از مهم‌ترین دستاوردها - بلکه مهم‌ترین دستاورد - لیبرالیسم^(۵) است که گرانگاه آن را

1. criminalization.

۲. اگر این ضمانت اجرا در گذشته به کیفرهای گوناگون محدود می‌شد و سپس «اقدامهای تأمینی» در گستره آن قرار گرفتند، امروز طیف گسترده‌ای از تدابیر - برای نمونه: کیفرهای اجتماعی یا ضمانت اجراهای بینابین - به این فلمرو وارد شده‌اند (برای آگاهی بیشتر ر.ک: آشوری (محمد)، [زیرنظر]، «جایگزینهای زندان یا مجازاتهای بینابین»، نشر گرایش، ۱۳۸۲).
۳. برای دیدن الگوهای گوناگون جرم‌انگاری ر.ک: جانکی (فیروز محمود)، «مبانی، اصول و شیوه‌های جرم‌انگاری»، [رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی]، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، مهرماه ۱۳۸۲، ص ۹۸ و بعد.
۴. ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ نیز بر همین پایه پیش‌بینی می‌کند: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود».
۵. لیبرالیسم یا آزادی‌خواهی، مجموعه روشها، سیاستها و ایدئولوژی‌هایی است که هدفشان -

«آزادی» تشکیل می‌دهد. آزادی در این جریان چیزی است که به انسان مقام و ویژگی انسانیت می‌دهد و بر پایه آن، دولت و جامعه نمی‌توانند فرد را مجبور و محدود کنند. آزادی برای یافتن قواعدی که بر آن حکومت کند، همواره از عقل کمک می‌گیرد و به همین جهت جست‌وجوی قانون - بلکه مبتنی بر قانون - نیز هست. از دیدگاه سیاست جنائی، این برتری قانون به لباس «اصل قانونمندی» درمی‌آید و این اصل، تضمین آزادی را بر عهده می‌گیرد.^(۱)

دوم، جرم انگاشتن یک رفتار - به‌ویژه از دیدگاه حقوق بشر - است. بدین ترتیب، هر جامعه‌ای که برای اصل آزادی ارزش قائل است، از حقوق کیفری باید به منزله آخرین حربه مبارزه با بزهکاری بهره‌برداری کند. با این همه، نظام کیفری همواره ممکن است به منزله سازوکاری برای حفظ نظم اجتماعی پذیرفته شود. در این صورت، جرم‌انگاری یعنی از راه قانون اعلام شود چنین رفتارهایی نباید انجام شود که ویژگی پیش‌گیرانه قوانین کیفری نیز از همین واقعیت سرچشمه می‌گیرد.^(۲)

۲- راهبرد پس‌زوده: پیش‌گیری واکنشی فراگیر از راه «جرم‌زدایی»^(۳)
اگر پیش‌گیری واکنشی فراگیر بر پایه بازدارندگی و از راه جرم‌انگاری در چهارچوب یک راهبرد پیش‌رونده جلوگیری از بزهکاری یا کاهش آن را دنبال می‌کند، ممکن است برای جامعه عمل پوشاندن به این هدف به راهبردی

۱- فراهم کردن آزادی هرچه بیشتر برای فرد است. پیروان چنین عقیده‌ای را لیبرال یا آزادی‌خواه می‌نامند. برای آگاهی بیشتر ر.ک: آشوری (داریوش)، *دانشنامه سیاسی*، انتشارات مروارید، چاپ چهارم، ۱۳۷۴، ص ۲۸۰.

۲- به دنبال پیدایش اصل قانونمندی، مفهوم دیگری به نام «دولت قانونمدار» در سده بیستم پدید آمد که ابقای اصل قانونمندی را در چهارچوب سیاست جنائی الزامی ساخت (برای آگاهی بیشتر ر.ک: دلماس مارتی (می-ری)، *نظامهای بزرگ سیاست جنائی*، جلد نخست، برگردان: نجفی‌ابرنادآبادی (علی‌حسین)، نشر میزان، ۱۳۸۱، صص ۶۶-۶۲.

2. Ashworth (Andrew), *Criminal Justice. Criminal law and Criminalisation*, 2rd Edn, Clarendon Press, 1995, p.25.

3. decriminalization.

پس‌رونده در سیاست جنائی دگرگون شود. در این صورت، قانون‌گذار با زدودن عنوان مجرمانه (جرم‌زدایی) از رفتاری که پیشتر آن را جرم‌انگاری کرده بود، به مبارزه با بزهکاری می‌پردازد.^(۱) این پس‌روی هرگز به معنای شکست و ناتوانی از این مبارزه نیست، بلکه با سبک کردن بار نظام عدالت جنائی و روان‌تر ساختن چرخهای آن بر توان دولت در مهار و کاهش بزهکاری می‌افزاید. این راهبرد پس‌رو دستاورد اندیشه «الغاکرایسی»^(۲) و جنبشی است که بر همین پایه از دهه‌های شصت و هفتاد میلادی گسترش پیدا کرد. پیکره این جنبش را می‌توان در دو بخش از هم جدا کرد. بخش نخست، که آن را نقطه آغاز این جنبش می‌توان دانست، محدود ساختن گستره مداخله حقوق کیفری را تا حذف کامل منابع آن هدف قرار داده بود. ولی، بخش دوم این پیکره، که از بینشی میانه‌رو برخاسته بود، صورت‌سازی دوباره مداخله نظام کیفری را مطلوب می‌دانست.^(۳) در این میان، تلاشهای پیروان جنبش دفاع اجتماعی نوین - به رهبری مارک آنسل - در برابر هواداران گرایش تندروی دفاع اجتماعی - به رهبری فیلیپوگراماتیکا (وکیل ایتالیایی) - اثری عمیق‌تر بر تحولات کیفری گذاشت.

راهبرد پس‌رونده مورد بحث ما، که در بخش نخست پیکره جنبش پیش - گفته می‌گنجد^(۴) با تأکید بر مفهوم جرم‌زدایی به خشکاندن ریشه‌های جرم - و به تعبیر ما: «پیش‌گیری از بزهکاری» - می‌اندیشد. جرم‌زدایی از یک سو، بر پایه ضرورت همخوانی قوانین کیفری با تحولات اجتماعی، و از سوی دیگر،

۱. برای آگاهی بیشتر رک: رایجیان اصلی (مهرداد)، تبیین استراتژی عقب‌نشینی یا تحدید دامنه مداخله حقوق جزا و جایگاه آن دو ایران، مجله حقوقی و قضائی دادگستری، شماره ۴۱، زمستان ۱۳۸۱، ص ۹۳ و بعد.

2. abolitionism.

۳. پرادل (ژان)، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ص ۱۲۴ و بعد.

۴. بخش دوم این پیکره موضوع بند ب زیر عنوان: «پیش‌گیری واکنشی ویژه: سازوکارهای پاسخ‌دهنده در همین گفتار است.

جلوگیری از افزایش شمار رفتارهای مجرمانه در این قوانین برای کاستن از خطر «تورم کیفری» توجیه می‌شود. افزایش شمار جرائم در قوانین، گذشته از بالا بردن احتمال ایجاد قوانین ناکارآمد حتی ممکن است به «جرم‌زایی قوانین» نیز بینجامد. بر همین پایه، پیام آموزه دفاع اجتماعی نوین بهره‌گیری از سازوکارهایی چون جرم‌زدایی برای دستیابی به الگویی از سیاست جنائی است که گذشته از حفظ توازن اجتماعی میان شهروندان از گسترش بیش از اندازه و بی‌مورد حقوق کیفری و بروز پدیده تورم کیفری جلوگیری می‌کند و در نتیجه در سطحی گسترده‌تر به «پیش‌گیری از بزهکاری» می‌انجامد. «پیش‌گیری از بزهکاری» از رهگذر راهبرد پس‌رونده به این معناست که با متوازن ساختن قوانین به دنبال جرم‌زدایی اصولی و منطقی - از یک سو - و پالایش آنها از نمونه‌های جرم‌زا - از سوی دیگر - کارکردهای قوانین کیفری بر پایه بازدارندگی تقویت شود. ولی، همه بحث در این مطلب خلاصه نمی‌شود. زیرا، پیش‌گیری از جرم در چهارچوب سازوکارهای پاسخ‌دهنده به پدیده مجرمانه نیز دست یافتنی است. در اینجا تأکید بر روی فرد بزهکار و جلوگیری از تکرار جرم او در چهارچوب یک «پیش‌گیری واکنشی ویژه» است.

ب) پیش‌گیری واکنشی ویژه: سازوکارهای پاسخ‌دهنده
پیش‌گیری واکنشی ویژه یکی دیگر از گونه‌های پیش‌گیری جنائی بر پایه کارکردهای کیفرشناختی است که جلوگیری از تکرار جرم بزهکاران نخستین^(۱) را دنبال می‌کند. از آنجا که اثر پیش‌گیری واکنشی فراگیر در جلوگیری از وقوع جرم محدود است و این امکان همواره وجود دارد که پاره‌ای از شهروندان با تأثیر نپذیرفتن از بازدارندگی قوانین کیفری جرم مرتکب شوند، جامعه با پاسخ به این مرتکبان تلاش می‌کند تا از تکرار جرم

1. first offenders.

آنان پیش‌گیری کند. این پاسخ که به بزهاکاران اختصاص دارد - و به همین جهت به آن پیش‌گیری واکنشی ویژه یا اختصاصی می‌گوییم - در وهله نخست همان کیفرهایی است که برای رفتارهای نقض شده در قانون پیش‌بینی شده‌اند. ولی، گونه دیگری از این پاسخها «تدابیر یا اقدامهای تأمینی (تربیتی)» نام دارند که بر پایه یافته‌های جرم‌شناسانه به قلمرو حقوق کیفری راه یافته‌اند. ویژگی برجسته این پاسخها در سرکوبگرانه بودن آنهاست و به همین جهت، آنها را «پاسخهای پیش‌گیرانه واکنشی» یا «پیش‌گیریهای واکنشی» نیز نامیده‌اند. ضلعهای دوگانه این پاسخها یا همان واکنشهای اجتماعی به جرم - یعنی کیفر و اقدام تأمینی - از نگاه کیفرشناسانه و بر پایه نظریه «کاهش جرم» کارکردهای سودمند گوناگونی دارند^(۱) که آنها را می‌توان مؤلفه‌های پیش‌گیری واکنشی ویژه نامید.^(۲)

بازدارندگی یا ارباب فردی (ویژه)^(۳) نخستین مؤلفه پیش‌گیری واکنشی ویژه

۱. برخی از حقوق‌دانان از این کارکردها به «اهداف مجازات» (یا به تعبیر ما «واکنشهای اجتماعی به جرم») یاد کرده‌اند. برای نمونه ر.ک: نوربها (رضا)، زمینه حقوق جزای عمومی، کتابخانه گنج دانش و نشر دادآفرین، چاپ ششم، ۱۳۸۱، ص ۳۹۳ و بعد. ایشان در این کتاب «اهداف مجازاتها» را به «یک هدف عینی یعنی اصلاح و تربیت بزهاکار و [در نتیجه] پیش‌گیری از جرم به شکل خاص نسبت به مجرمان... و به شکل عام نسبت به جامعه و یک هدف ذهنی یعنی اجرای عدالت» بخش می‌کنند که در بخش نخست از هدف عینی تعبیر دیگری از «پیش‌گیری واکنشی ویژه» است.

۲. اگرچه هر یک از کارکردها پیامد یک اندیشه شکوفا در تاریخ آموزه‌های کیفری بوده، واقعیت آن است که برای هر کیفر نمی‌توان تنها یک نقش و کارکرد قائل شد. بنابراین، گوناگونی کارکردهای کیفر از دیدگاهی خردنگرانه ناظر به یکایک کیفرهاست و به همین جهت، نگارنده نیز در اینجا از آنها به «مؤلفه‌های پیش‌گیری واکنشی ویژه» یاد کرده است، همچنان که درباره پیش‌گیری واکنشی فراگیر نیز چنین است. بدین ترتیب، تنها تفاوتی که از جهت کارکردها میان کیفرهای گوناگون وجود دارد به درجه آنها باز می‌گردد. برای نمونه، کارکرد اصلاحی - تربیتی زندان از کیفرهای بدنی (مانند تازیانه) و کیفرهای مالی (مانند جریمه نقدی) پررنگ‌تر است و یا اثر ناتوان‌سازنده کیفرهای بدنی از دیگر کیفرها بیشتر است.

به شمار می‌رود. بازدارندگی فردی یعنی ترسی که مرتکب جرم از اجرای کیفر احساس می‌کند، به گونه‌ای که کیفر تحمیلی را چنان ناخوشایند و هولناک می‌یابد که دیگر دست به ارتکاب جرم نمی‌زند. بدین ترتیب، گرانیگاه این پیش‌گیری واکنشی ویژه رنج ناخوشایند و هولناکی است که فرد بزهکار را از ارتکاب دوباره جرم باز می‌دارد. مهم‌ترین - بلکه نخستین - ابزار چنین ترسی «شدت کیفر» است. ولی، آنچنان که تجربه تاریخی نشان می‌دهد، اثر شدت کیفر را نمی‌توان مسلم دانست. به بیان دیگر، اثر بازدارنده کیفر از این منظر مطلق نیست، همچنان که درباره پیش‌گیری واکنشی فراگیر نیز چنین است. به همین جهت در روزگار ما، گستره «سیاست تشدید کیفرها» بسیار محدود شده و جز در نظامهایی که از تجربه تاریخ چندان پند نگرفته‌اند، کاربرد گسترده‌ای ندارد. تجربه روش «شوک تند و کوتاه»^(۱) برای پیش‌گیری از تکرار جرم بزهکاران جوان در آغاز دهه ۱۹۸۰ - یعنی در زمان دولت محافظه کار خانم مارگارت تاچر - در انگلستان نمونه گویایی از ناکارایی یک سیاست تشدید کیفر مطلق است.^(۲) اگر کارآمدی این روش با گذشت کمتر از یک دهه از اجرای آن با تردید روبه‌رو شد، هواداران آن در آغاز برای باور بودند که به کارگیری آن در چهارچوب زندانهای کوتاه مدت از جهت اقدام فوری جامعه و نیز ارزش پیش‌گیری این روش - به ویژه درباره نوجوانان کزرو و مرتکبان جرائم رانندگی و حتی درباره برخی از بزهکاران اقتصادی - بسیار سودمند است.^(۳)

هرچند اثر بازدارندگی «شدت کیفر» قطعی نیست، گریزناپذیری کیفر اثر

۱. short sharp shock: منظور از این روش تنبیه بزهکار یا درمان او نیست، بلکه ایجاد یک ضربه روانی سودمند برای بازداشتن بزهکار از تکرار جرم است.

2. M.Cavadino & J.Dignan, *Op.cit.*, p.p.33-34.

۳. آنسل (مارک)، *دفاع اجتماعی*، ترجمه آشوری (محمد) و نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵، ص ۹۳.

بیشتری در بازدارندگی - و در نتیجه، «پیش‌گیری از جرم» - دارد. گریزناپذیری کیفر در دیدگاه سزار بکاریا - اندیشمند ایتالیایی سده هجدهم - به بهترین وجه بیان شده است. در باور بکاریا «این شدت مجازات نیست که با اطمینان بیشتری از ارتکاب جرم پیش‌گیری... می‌کند، بلکه قطعیت اجرای آن چنین نقشی را ایفا می‌کند. چشم‌انداز یک کیفر اسبک ولی گریزناپذیر همواره اثر بیشتری دارد تا ترس نامشخص از یک کیفر هولناک که امیدی به اجرای آن نیست»^(۱). تأثیر هرچه بهتر این گریزناپذیری به «سرعت در اجرای کیفر» بستگی دارد. این سرعت تداعی دو مفهوم بزه و کیفر را در ذهن فرد قوی‌تر و پایدارتر می‌کند^(۲) و جنبه بازدارنده کیفر را بهتر برآورده می‌سازد.

واقعیت آن است که اثر بازدارندگی فردی در پیش‌گیری از جرم هر اندازه باشد، درباره تأثیر و نقش آن نباید زیاده‌روی کرد. اگر بازدارندگی فردی ترسی است که از رهگذر اجرای کیفر بر بزهکار چیره می‌شود و او را چنان هراسان می‌سازد که از تکرار جرم بازمی‌دارد، تأثیر چنین ترسی را در همه بزهکاران یکسان نمی‌توان دانست. زیرا، آنچه برای یک بزهکار کیفری سخت و سنگین به نظر می‌آید، ممکن است برای بزهکار دیگر سبک - و حتی خوشایند - انگاشته شود. بدین ترتیب، پیش‌گیری واکنشی ویژه را نمی‌توان تنها در بازدارندگی فردی خلاصه کرد. زیرا، مؤلفه‌های دیگری نیز وجود دارند.

اصلاح و درمان^(۳) یا بازپروری^(۴) مؤلفه دیگر پیش‌گیری واکنشی ویژه است که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به صورت یک اندیشه مستقل به قلمرو

۱. برادل (ژان)، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ص ۵۰.

۲. بکاریا (سزار)، رساله جرائم و مجازاتها، ترجمه اردبیلی (محمدعلی)، نشر میزان، چاپ سوم،

۱۳۷۷، ص ۸۴.

3. reform.

4. rehabilitation.

آموزه‌های کیفری پا گذاشت. اصلاح یا بازپروری جنبه دیگری از نظریه «کاهش جرم» است که پیش‌گیری از جرم را در گرو بهبود رفتار و شخصیت بزهدار از رهگذر کیفر می‌شناسد. خاستگاه این اندیشه پرشور را بی‌گمان باید در دیدگاه‌های علمی مکتب تحقیقی (اثباتی) جست‌وجو کرد. بر پایه آموزه‌های این مکتب، رفتار مجرمانه نه یک رفتار آزادانه‌گزینش شده، بلکه نشانه‌ای از یک بیماری روانی است که باید «درمان» شود. از آنجا که با گذشت زمان تجربه نشان داد که درباره نقش اصلاحی کیفر - به ویژه در چهارچوب رویکرد درمانی - پزشکی نباید زیاده‌روی کرد، امروزه بیشتر به نقش پیش‌گیرنده‌ای که اصلاح و بازپروری از رهگذر «بازهمنواسازی اجتماعی»^(۱) می‌تواند داشته باشد، تأکید می‌شود. منظور از «بازهمنواسازی اجتماعی» سوق دادن بزهدار به سوی پیروی از قواعد بنیادی زندگی در جامعه است، قواعدی که او با ارتکاب جرم آنها را نقض کرده بود. یکی از ویژگیهای برجسته روشهای اصلاحی «نرمش» و «قهرآمیز نبودن» آنهاست که البته مطلق نیست. این ویژگی اگرچه از دیدگاه پیش‌گیری واکنشی ویژه تأثیر مثبتی دارد، ممکن است به عبرت آموزی - به منزله یکی از مؤلفه‌های پیش‌گیری واکنشی فراگیر - لطمه زند.^(۲) با وجود این، بر پایه تأکید به «بازهمنواسازی اجتماعی» اصلاح و بازپروری همچنان یکی از مؤلفه‌های پیش‌گیری واکنشی ویژه شناخته می‌شود.

مهم‌ترین ابزار این پیش‌گیری از رهگذر اصلاح و بازپروری، «زندندان» است. در زندان تلاش می‌شود تا با بهره‌گیری از یافته‌های جرم‌شناسی بالینی - به ویژه با تشکیل پرونده شخصیت - جنبه‌های گوناگون بزهدار بررسی شود تا بر این پایه پیش‌گیری از تکرار جرم او نیز جامعه عمل پیوشد.^(۳) اگرچه در

1. social reintegration.

۲. همان، ص ۳۳.

۳. برای آگاهی بیشتر رک: نجفی ابرنآبادی (علی حسین)، زندان: درمانگاه بزهداری و -

دهه‌های گذشته انتقادهایی به کارآیی زندان در اصلاح بزهکاران و پیش‌گیری از تکرار جرم آنان وارد شده و پیشنهادهایی که برای جانشین ساختن تدابیری به جای زندان مطرح شده بود، رفته‌رفته عملی می‌شود،^(۱) کیفر زندان همچنان متداول‌ترین ضمانت اجرای اثرگذار در پیش‌گیری واکنشی ویژه به شمار می‌آید.

یکی دیگر از مؤلفه‌های کارکردی پیش‌گیری واکنشی ویژه، «ناتوان‌سازی»^(۲) است. ناتوان‌سازی یعنی جلوگیری همیشگی یا موقت از تکرار جرم بزهکار که معمولاً با تحمیل یک کیفر بدنی به دست می‌آید.^(۳) از دیدگاه تاریخ حقوق بسیاری از کیفرها ناتوان‌ساز بوده‌اند. همچنان که گفتیم این ناتوان‌سازی ممکن است همیشگی یا موقت باشد. «بریدن دست» در دزدی نمونه برجسته یک ناتوان‌سازی موقت است، در حالی که «کیفر مرگ» ناتوان‌سازی همیشگی را به دنبال دارد.^(۴) در کنار کیفرهای بدنی، کیفرهای غیر بدنی نیز ممکن است اثر ناتوان‌سازنده داشته باشند. برای نمونه، باطل کردن پروانه رانندگی می‌تواند تأثیر انکارناپذیری در پیش‌گیری از تکرار جرائم رانندگی بگذارد.^(۵) همین موضوع درباره ضمانت اجرایی چون لغو پروانه انتشار (مجله یا روزنامه)، لغو پروانه کسب... نیز درست است. در اینجا با یک پاسخ پیش‌گیرانه به نام «اقدام تأمینی» روبه‌رویم که در کنار یک پاسخ کیفری (برای نمونه، کیفر زندان) برای پیش‌گیری از تکرار جرم به کار می‌رود.

← بزهکاران؟ [دیباچه مترجم] در: بولک (برنار)، صص ۹-۱۸.

۱. ر.ک: برادل (ژان)، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ص ۱۳۰.

2. incapacitation.

3. *Ibid*, p.37.

۴. برخی کیفرشناسان کارکرد کیفرهایی چون اعدام، تبعید و حبس ابد را «حذف و طرد» بزهکار از جامعه دانسته‌اند. ر.ک: بولک (برنار)، ص ۳۵.

۵. در ایران به ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ می‌توان اشاره کرد که محرومیت موقت مرتکب جرم را از رانندگی پیش‌بینی کرده است.

متأسفانه، دست‌اندرکاران عدالت جنائی ایران به اثر پیش‌گیرنده مهم اقدامهای تأمینی کمتر توجه کرده‌اند. به همین جهت، با وجود «قانون اقدامات تأمینی» (مصوب ۱۳۳۹)، مقررات آن امروز تا اندازه بسیاری متروک مانده و به گفته برخی حقوق دانان به «قانونی در عزلت»^(۱) تبدیل شده است.^(۲)

اگرچه، ناتوان سازی یکی از کارکردهای اصلی کيفرها در تاریخ حقوق شناخته می‌شود و امروز نیز توجیهی برای به‌کارگیری پاره‌ای ضمانت اجراهای جدید به شمار می‌رود، هیچ‌گاه نمی‌توان آن را تدبیری مسلم برای پیش‌گیری واکنشی ویژه دانست. باری، همچنان که پیش‌تر نیز گفتیم، اثر پیش‌گیرنده ناتوان‌سازی را مانند دیگر مؤلفه‌های پیش‌گیری واکنشی ویژه در کنار هم باید مورد توجه قرار داد.^(۳)

۱. نوربها (رضا)، *قانونی در عزلت*، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۱-۳۰، ۱۳۷۹، ص ۹ و بعد.
۲. البته در برابر تأکید حقوق دانان و جرم‌شناسان کشور بر اهمیت و ضرورت به‌کارگیری اقدامهای تأمینی، در چند سال گذشته برخی دادگاهها گستره این قانون را برمتخلفان مطبوعاتی نیز کشانده‌اند که انتقادهایی را نیز برانگیخته است. به نظر ما، رویکرد دست‌اندرکاران عدالت جنائی ایران از این جهت انتقادپذیر می‌نماید که با گذشت سالهای بسیار از تصویب و اعتبار این قانون یکباره از آن برای مجازات دگراندیشان و فعالان سیاسی منتقد بهره گرفته‌اند و بدین ترتیب گستره آن را به «جرم‌سیاسی» محدود کرده‌اند. حال آنکه مبارزه با چنین جرائمی پیش از هرچیز نیازمند تعریف جرم سیاسی و پیش‌بینی آن در قانون است (سیاق اصل ۱۶۸ قانون اساسی). وانگهی، اگر اقدامهای تأمینی در پیش‌گیری از تکرار تخلفهای مطبوعاتی مؤثرند، به گونه‌ای سزاوارتر در جرائم دیگر نیز باید از آنها بهره برد.
۳. برای نمونه درباره برنامه‌های تعلیق مراقبتی فشرده این باور وجود دارد که نظارت فشرده و بیشتر هم‌زمان می‌تواند به «بازدارندگی فردی»، «بازسازی و اصلاح» و نیز «ناتوان سازی» جامعه عمل ببوشاند. در مورد اثر ناتوان‌سازنده ضمانت اجراهای جدید - برای نمونه، تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط فشرده - ر.ک:

Susan Turner, Joan Petersilia and Elizabeth Piper, *Evaluating Intensive Supervision Probation/Parole (ISP) for Drug Offenders*, Crime and delinquency, 1992, p.5410.

یکی دیگر از مؤلفه‌های کارکردی پیش‌گیری واکنشی ویژه «شرمساری بازگرداننده یا بازیکپارچه‌گر»^(۱) نام دارد که در دهه‌های پایانی سده بیستم در چهارچوب نظریه‌ای به همین نام از سوی جان بریث ویت^(۲) - جامعه‌شناس و جرم‌شناس استرالیایی - مطرح شد. این شرمساری در باور بریث ویت به دو گونه است: بدنام‌کننده و بازگرداننده یا بازیکپارچه‌گر. شرمساری بدنام‌کننده نه تنها به پیش‌گیری از تکرار جرم نمی‌انجامد، بلکه رقم بالاتری از جرائم را دامن خواهد زد. برعکس، اگر مرتکب با درک نادرست بودن رفتار خود شرمسار شود - در حالی که همچنان اجازه دارد به گروه هم‌نوا در جامعه بازگردد - پیش‌گیری از تکرار جرم جامه عمل خواهد پوشید.

برایند این نظریه در پیش‌گیری واکنشی ویژه این است که پاسخهای پیش‌گیرانه در صورتی به سرانجام خواهند رسید که با شرمسار کردن مرتکب

۱. reintegrative shaming این اصطلاح را «شرمساری بازسامانده یا بازپذیر» و «شرمندگی بازگرداننده یا یکپارچه‌کننده» و «شرمساری باز یکپارچه‌گر» نیز ترجمه کرده‌اند (به ترتیب ر.ک: صفاری (علی)، **کیفرشناسی**، جزوه درسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱-۸۲؛ وایت (راب)، هینس (فیونا)، **دوآمدی بر جرم و جرم‌شناسی**، مترجم: بطحایی اصل صدیق (میر روح‌الله)، نشر دادگستر، ۱۳۸۱، ص ۳۴۶؛ ولد (جرج) و دیگران، **جرم‌شناسی نظری**، ترجمه شجاعی (علی)، انتشارات سمت، ۱۳۸۰، ص ۴۱۱). برابر نهاده نخست (شرمساری بازسامانده) بیشتر ابتکاری - اصطلاحی و از معنای واژه‌های این اصطلاح دور است. وانگهی، هیچ یک از معنای واژگان «سامان و سامان دادن» با مفهوم اصطلاح انگلیسی سازگار - و حتی به آن نزدیک - نیست (ر.ک: معین (محمد)، **فرهنگ فارسی**، جلد ۲، چاپ نوزدهم: ۱۳۸۱، ص ۱۸۰۹). ولی، برابر نهاده دوم (شرمساری بازگرداننده یا بازیکپارچه‌گر) به مفهوم دقیق این اصطلاح نزدیک است. زیرا reintegrative در این نظریه به بازگرداندن بزه‌کار به جامعه و یکپارچه کردن یا هم‌نوا ساختن او با آن اشاره دارد. با وجود این، نگارنده بر پایه دیدگاههای نو ویرایشی در فارسی برابر نهاده «شرمساری باز گرداننده یا بازیکپارچه‌گر» را ترجیح می‌دهد (به ترتیب ر.ک: آشوری (داریوش)، **فرهنگ علوم انسانی**، نشر مرکز، چاپ سوم، ۱۳۸۱، ص ۱۸۴؛ ولد (جرج) و دیگران، **جرم‌شناسی نظری**، ص ۴۱۱؛ آریان‌پور کاشانی (منوچهر)، **فرهنگ پیشرو آریان‌پور**، انگلیسی - فارسی، جلد سوم، ص ۲۷۲۹).

بتوانند او را دوباره به جامعه بازگردانند. از آنجا که این شرمساری از رهگذر روشهایی مانند «پوزش بزهکار از بزه دیده» یا «جبران خسارت بزه دیده» به دست می آید، آن را به الگوی «عدالت ترمیمی»^(۱) نزدیک و ترجمان جرم شناسانه‌ای از آن می توان دانست.

واقعیت آن است که با توجه به نو بودن نظریه «شرمساری بازگرداننده» داوری درباره کارکرد پیش گیرنده آن هنوز زود است. ولی، پیوند نزدیک این دیدگاه با الگوی عدالت ترمیمی - با توجه به کارآمد شناخته شدن این الگو در نظامهای حقوقی امروزی - می تواند آن را به یکی از مؤلفه‌های پیش‌گیری واکنشی ویژه، دست‌کم در جرمهایی که به روشهای ترمیمی انجامیده‌اند، دگرگون کند.^(۲)

از مباحث کیفرشناختی پیش گفته که بگذریم، از دیدگاه سیاست جنائی دو راهبرد عمده برای پیش‌گیری واکنشی ویژه می توان شناسایی کرد:
۱- پیش‌گیری واکنشی ویژه از رهگذر راهبرد پس‌رونده کیفرزدایی^(۳)
پیش‌گیری واکنشی ویژه همیشه دربردارنده پاسخ به رفتار مجرمانه مرتکب از رهگذر تحمیل کیفر (ضمانت اجراها) نیست. مصلحتهای سیاست جنائی

۱. Restorative Justice: فرایندی است که در آن، بزه‌دیده و بزه‌کار و در صورت لزوم، هر فرد یا گروهی که از ارتکاب جرم زیان دیده‌اند (جامعه محلی یا جامعه در سطح کلان) در حل و فصل مسائل برخاسته از جرم به گونه‌ای فعال شرکت می‌کنند و بدین منظور از روشهایی مانند سازش، میانجیگری و نشستهای گفت‌وگو بهره می‌برند. برای آگاهی بیشتر ر.ک: نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، از حقوق کیفری بزه‌دیده‌مدار تا عدالت ترمیمی [دبیاچه] در: رایجیان اصلی (مهرداد)، بزه‌دیده در فرایند کیفری، ص ۲۵-۱۱؛ نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، الهیات و حقوق، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۸۲.

۲. درباره پیوند نظریه شرمساری بازگرداننده با عدالت ترمیمی ر.ک:

James Dignan; *Understanding Victims and Restorative Justice*, Open University Press, First Pub., 2005, p.p.64,99,101-116,118,123,126.

3. depenalization.

گاهی ایجاب می‌کند تا با حفظ عنوان مجرمانه، تنها به تغییر یا تنظیم پاسخها پرداخته شود. بدین ترتیب، کیفرزدایی گونه‌ای از ابزارهای سیاست جنائی است که تخفیف کیفر تا حذف آن یا پیشنهاد تناوب میان کیفر و یک اقدام غیرکیفری در برابر پدیده مجرمانه را دربرمی‌گیرد.^(۱) کیفرزدایی جنبه دیگری از راهبرد پس‌رونده در آموزه‌های «منع یا محدود ساختن گستره مداخله نظام کیفری» است که بر پایه یک بینش میانه‌رو «صورت‌سازی دوباره مداخله نظام کیفری» را دنبال می‌کند. در باور پرچم‌داران این بینش - آموزه دفاع اجتماعی نوین - از آنجا که سیاست جنائی امروز بیشتر به سوی محدود کردن کیفر گرایش دارد، شاید روی آوردن به کیفرزدایی بسیار آسان‌تر و بهتر از جرم‌زدایی باشد.^(۲) به همین جهت، رفتارها یا پدیده‌هایی را می‌توان یافت که با امکان‌ناپذیر بودن جرم‌زدایی از آنها، زمینه بهتری برای کیفرزدایی از آنها وجود دارد.^(۳)

یکی از برجسته‌ترین بازتاب‌های اندیشه کیفرزدایی در تاریخ تحولات کیفری «جنبش محدود ساختن گستره کیفر زندان و گسترش اقدامهای جانشین آن» است که امروز خریداران بسیاری در جهان دارد. با وجود انتقادهای اندکی که بر این اندیشه نوآورانه وارد شده^(۴) باور بر کارایی آن برتری بیشتری داشته است و به همین دلیل، گرایش فزاینده‌ای به بهره‌گیری از آن به چشم می‌خورد.

مهم‌ترین رهیافت «تدابیر جانشین زندان» نقشی است که در پیش‌گیری واکنشی ویژه - یعنی جلوگیری از تکرار جرم - دارد. زیرا، پاره‌ای از پژوهشها

۱. رایجیان اصلی (مهرداد)، همان، ص ۹۹.

۲. آنسل (مارک)، همان، ص ۱۰۵.

۳. رایجیان اصلی (مهرداد)، همان، ص ۱۰۰.

۴. البته نباید فراموش کرد که تجربه تاریخ نشان داده هیچ نوآوری و اندیشه‌ای از انتقاد مصون نبوده است. ولی، این واقعیت نباید انسان را از آزمودن آموزه‌ها و یافته‌های نوآورانه برای پی بردن به خوبیها و کاستیهای آن باز دارد.

نشان داده‌اند که کیفر زندان نتوانسته است تکرار جرم را مهار کند.^(۱) اگرچه پژوهشهای دیگری نیز انجام شده که اثر پیش‌گیرنده تدابیری چون «تعلیق مراقبتی فشرده» را با تردید روبه‌رو ساخته است، به نظر می‌رسد که نقش چنین تدابیری را در چهارچوب مفهوم کیفرزدایی در جلوگیری از تکرار جرم (پیش‌گیری واکنشی ویژه) روی هم رفته می‌توان مثبت ارزیابی کرد.^(۲)

۲- پیش‌گیری واکنشی ویژه: از رهگذر راهبرد پسرونده قضازدایی^(۳)

پیش‌گیری واکنشی ویژه در چهارچوب صورت‌سازی دوباره نظام کیفری ممکن است از راه «قضازدایی» جامه عمل بپوشد. قضازدایی در ساده‌ترین تعریف یعنی پرهیز از درگیر کردن مرتکبان در فرایند عدالت جنائی (نظام قضائی) یا - در صورت ورود به این فرایند - جلوگیری از ادامه مسیر و ماندن آنها در این فرایند یا منحرف کردن آن به سمتی که مناسب‌تر است.^(۴) بدین ترتیب، قضازدایی در مفهوم نخستین آن یعنی با حفظ عنوان مجرمانه رفتار ارتكابی صلاحیت رسیدگی و تصمیم‌گیری درباره آن با بهره‌گیری از پاسخهای مدنی، اداری، تربیتی و اجتماعی، از قلمرو نظام کیفری خارج می‌شود. ولی، در مفهوم گسترده‌تر امروزی قضازدایی را می‌توان همه روشها و تدابیری دانست که در چهارچوب پرهیز از درگیر شدن مرتکب در فرایند جنائی یا جلوگیری از ادامه مسیر او در این فرایند یا جلوگیری از اجرای کیفر مندرج در حکم دادگاه، به کار گرفته می‌شوند.^(۵) این تعریف جلوه‌گر پیوند مفهوم قضازدایی با نظریه شرمساری بازگرداننده است که بر پایه آن، پیش‌گیری واکنشی ویژه با شرمسار کردن بزهکار از آنچه مرتکب شده و فرصت دادن

۱. آشوری (محمد)، جایگزینهای زندان یا مجازاتهای اجتماعی، ص ۴۰.

۲. در این مورد رک: همان، ص ۴۷۰ و بعد.

3. diversion.

۴. رایجیان اصلی (مهرداد)، همان، ص ۱۰۲.

۵. همان، ص ۱۰۳.

دوباره به او برای بازگشت به جامعه تحقق می‌یابد.

گفتار دوم) مفهوم جرم‌شناسانه پیش‌گیری و گونه‌شناسی آن بر پایه ابزارهای آموزشی - پرورشی^(۱) و فنی^(۲)

یکی دیگر از طبقه‌بندی‌هایی که بر پایه مفهوم‌شناسی پیش‌گیری در سیاست جنائی می‌توان ارائه داد، گونه‌شناسی بر پایه ابزارهای آموزشی - پرورشی و فنی است. همچنان که در درآمد مقاله گفتیم، سیاست جنائی برای پاسخ به پدیده مجرمانه از یافته‌های جرم‌شناسی نیز بهره می‌برد. ترجمان این یافته‌ها در سیاست جنائی همان پاسخی‌های پیش‌گیرانه‌کنشی است که شیوه‌های گوناگونی را برای محدود یا ناممکن ساختن، دشوار کردن یا کاستن از امکان رویداد جنائی در بر می‌گیرد. این پاسخها در بردارنده فرد یا محیط پیرامون او و موقعیتهایی است که فرد ممکن است در آن وضعیتهای جرمی مرتکب شود. بر همین پایه، پیش‌گیری کنشی از راه آموزش و پرورش فرد و اثرگذاری بر محیط او ممکن است زودرس یا رشدنگر و بر پایه محیط اجتماعی یا اجتماع‌مدار باشد. همچنان که از راه فناوری امکان دارد به شکل وضعی یا موقعیت‌مدار باشد.

الف) پیش‌گیری کنشی از راه آموزش و پرورش فرد و اثرگذاری بر محیط پیرامون او برجسته‌ترین گونه پیش‌گیری کنشی از این رهگذر پیش‌گیری اجتماعی^(۳) نام دارد. پیش‌گیری اجتماعی مجموعه اقدامهایی است که مهار عوامل اثرگذار در شکل‌گیری جرم را دنبال می‌کنند و از آنجا که گذشته از محیط اجتماعی بر فرد و انگیزه‌های او نیز تأثیر می‌گذارد، به آن «پیش‌گیری فردمدار»^(۴) نیز

1. educational measures.
2. technical/technological means.
3. social prevention (of crime).
4. Individual-based crime prevention.

گفته‌اند.^(۱) هدف پیش‌گیری اجتماعی تقویت بنیادهایی است که با اثرگذاری بر گروه‌های در آستانه خطر به جامعه‌پذیری فرد کمک می‌کند. به دیگر سخن، پیش‌گیری اجتماعی به دنبال هم‌نوا ساختن فرد با قواعد اجتماعی از رهگذر آموزش و پرورش است. آنچه دست‌اندرکاران پیش‌گیری باید انجام دهند، بیرون بردن هرچه بیشتر افراد از نظام کیفری است. بر همین پایه، صاحب‌نظران اروپایی همکاری پلیس را با گروه‌های پیش‌گیری مانعی برای پیشرفت یک راهبرد واقعی پیش‌گیری اجتماعی از جرم دانسته‌اند.^(۲) پیش‌گیری اجتماعی تلاشی است برای حل مسائل رفتار مجرمانه با پرداختن به ریشه‌های جرم و تدابیری را در برمی‌گیرد که بر زمینه‌های ارتکاب جرم از رهگذر مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی... مؤثرند. به همین جهت، پیش‌گیری اجتماعی را بهترین توصیف از «پیش‌گیری نخستین»^(۳) می‌شمارند. «پیش‌گیری نخستین» در کنار «پیش‌گیرهای دومین و سومین»^(۴) تعبیر دیگری در گونه‌شناسی پیش‌گیری است که با الهام از الگوی پزشکی به نوشتگان علوم جنائی راه یافته‌اند. «پیش‌گیری نخستین» یعنی مصون کردن افراد از رهگذر مبارزه با همه زمینه‌های ارتکاب جرم که در چهارچوب «توسعه اجتماعی»^(۵) قرار می‌گیرد. پیش‌گیری نخستین رویکرد کلانی است که برای بهبود شرایط زندگی بر زمینه‌های جرم‌زا و محیط متمرکز است. در کنار پیش‌گیری نخستین، «پیش‌گیری دومین» یعنی به‌کارگیری شیوه‌هایی برای حمایت از افراد در آستانه خطر - و به زبان جرم‌شناختی: افراد دارای حالت خطرناک - که به گروه‌های خاصی از افراد مانند معتادان، ولگردان یا کودکان

۱. مباحثی در علوم جنائی، ص ۱۲.

2. Asquith (Stewart), *A Review of Criminal Justice Related Services for Young Offenders*, 1994, p.40.
3. primary prevention.
4. secondary and tertiary prevention.
5. social development.

بی سرپرست یا خیابانی ناظر است.^(۱)

از آنجا که پیشگیری دومین نیز در بردارنده تداگیری است که بر زمینه‌های جرم‌زای مرتبط با افراد در آستانه خطر تأثیر می‌گذارد، در زیر مجموعه پیشگیری اجتماعی یا فرمدار قرار می‌گیرد. تعبیر دوگانه پیشگیری نخستین و دومین در چهارچوب این شکل از پیشگیری کنشی آن را به دو شاخه «پیشگیری زودرس^(۲) یا رشدنگر^(۳)» و «پیشگیری محیط اجتماعی^(۴) یا اجتماع‌مدار^(۵)» بخش‌پذیر ساخته است.

۱- پیشگیری زودرس یا رشدنگر

پیشگیری زودرس یا رشدنگر یعنی مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس در فرایند رشد کودکان برای جلوگیری از عوامل خطر سازی که احتمال پذیرش و تقلید رفتار مجرمانه پایدار را از سوی آنها در آینده افزایش می‌دهد. این گونه از پیشگیریها نخست در دهه ۱۹۶۰ میلادی در آمریکای شمالی (ایالات متحده آمریکا و کانادا) تجربه شده و به تازگی به اروپا نیز کشانده شده است.^(۶) از آنجا که تأکید پیشگیری زودرس بر مهار یا جلوگیری از عوامل خطری است که کودکان را در آستانه خطر کژروی یا بزهکاری قرار می‌دهند، آن را می‌توان جلوه‌ای از پیشگیری دومین به شمار آورد. عوامل خطر در این پیشگیری مجموعه‌ای از شرایط فردی و اجتماعی است که پدیداری، پیوستگی و پایداری رفتارهای مجرمانه آینده را در کودکان و

۱. نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، ص ۱۳۹.

2. early prevention.

3. developmental prevention.

4. social environment prevention.

5. community based prevention.

۶. کاری بو (روبر)، مداخله روان‌شناختی - اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتارهای مجرمانه، ترجمه نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۳۸۱، ۳۶-۳۵، ص ۲۷۰.

نوجوانان به همراه دارند. برنامه‌های پیش‌گیری زودرس بر پایه پژوهشهایی استوارند که امکان مهار یا جلوگیری از پیدایش و گسترش این عوامل خطر را به اثبات رسانیده‌اند.^(۱)

این یک فرضیه پذیرفتنی و اثبات شده در جرم‌شناسی است که پدیداری عوامل خطر ساز و گسترش آنها هرچه زودتر رخ دهد، امکان آلوده شدن به رفتارهای کژمدارانه بیشتر خواهد شد و در صورت پیوستگی این کژمداری امکان دگرگونی آنها به رفتارهای مجرمانه پایدار افزایش خواهد یافت.

با در نظر گرفتن اهمیت عوامل خطر ساز در این گونه از پیش‌گیریها می‌توان گفت که برنامه‌های این پیش‌گیری به طور عمده متوجه کسانی است که به دلیل آسیب‌پذیری در آستانه بزه‌دیدگی قرار دارند. این افراد آسیب‌پذیر کودکان و نوجوانانی‌اند که عوامل آسیب‌زای فردی و اجتماعی فرایند رشد و جامعه‌پذیری آنان را در آستانه خطر قرار داده و یا مختل ساخته است. بدین ترتیب، برنامه‌های پیش‌گیری زودرس را از دستاوردهای بزه‌دیده‌شناسی باید دانست که بر پایه آن، کودکی و نوجوانی یکی از مهم‌ترین معیارهای آسیب‌پذیری در جهت بزه‌دیده شدن شناخته می‌شود.

بر پایه آنچه گفته شد، ارتباط مهم بزهکاری کودکان و نوجوانان را با پیش‌گیری زودرس بار دیگر باید مورد تأکید قرار داد. امروز، بسیاری از کشورها با رشد فزاینده بزهکاری کودکان و نوجوانان روبه‌رویند.^(۲) با توجه به ناکارآمدی دیگر گونه‌های پیش‌گیری و عمیق بودن پایه‌های برنامه‌های پیش‌گیری زودرس یا رشدنگر می‌توان به کارآیی آن در مهار یا کاهش رشد فزاینده این پدیده امیدوار بود. تحقق این خوش‌بینی در گرو پیش‌بینی

۱. همان، ص ۲۷۰.

۲. ر.ک: مصاحبه ایسنا با نگارنده، رشد جمعیت از عوامل افزایش بزهکاری اطفال است،

[در]: ۱۳۷۸/۸/۲۵

برنامه‌هایی است که باید با دقت به انجام رسند. در این برنامه‌ها نه تنها باید به شناسایی عوامل خطر ساز توجه کرد، بلکه برای مهار یا کاهش آثار این خطرها وجود عوامل حمایت‌کننده‌ای نیز لازم است.

عوامل خطر زمینه‌هایی است که فرایند جامعه‌پذیری فرد را با دشواری روبه‌رو می‌سازد. این عوامل ممکن است فردی یا محیطی باشد. مهم‌ترین عوامل فردی چنین‌اند: جنس (به‌ویژه پسر بودن)، سن (به‌ویژه در دوران بلوغ)، نداشتن ریشه‌های خانوادگی یا روشن نبودن آن، خودکنترلی پایین.^(۱) گزاف‌کوشی،^(۲) گرایش به خطرپذیری، فعالیت جنسی و بارداری زودرس، مصرف مواد مخدر یا الکل، افسردگی، خودزنی، گرایش به خودکشی... عوامل فردی عمدتاً از عوامل محیطی اثر می‌پذیرند. عوامل محیطی از محیط‌های گوناگون جامعه‌پذیری فرد سرچشمه می‌گیرند: کم‌سواد یا بی‌سوادی پدر و مادر، فقر اقتصادی، بیکاری یا بی‌ثباتی کاری سرپرست خانواده، اعتیاد پدر و مادر به مواد مخدر یا الکل، خشونت‌های خانگی، سازش‌ناپذیری پدر و مادر، رها کردن خانواده (در محیط‌گریزناپذیر خانواده)؛ ناکامی یا ضعف تحصیلی، خراب‌کاری، اخراج‌های مکرر از مدرسه، نامناسب بودن مدرسه؛ ارتباط با دوستان ناباب، تحقیر یا مسخره شدن از سوی دوستان (در گروه همسالان) و رفت‌وآمد در محیط‌های نامناسب، پرسه زدن در خیابانها، گدایی، زندگی در محله‌های شلوغ یا با سطح فرهنگی پایین (در محیط اجتماعی - فرهنگی).^(۳)

موفقیت برنامه‌های پیش‌گیری زودرس گذشته از شناسایی عوامل

۱. low self control: عنوان نظریهٔ عمری گات فردسون و تراویس هیرشی دربارهٔ جرم که بر پایهٔ آن، خودکنترلی پایین شمار فراوانی از روابط شناخته شده میان بزهکاری و عوامل دیگر را تبیین می‌کند و می‌تواند همهٔ گونه‌های جرم را توجیه کند. ر.ک: ولد (جرم) و دیگران، ص ۲۹۰.

۲. بیش‌فعالی یا hyperactivity

۳. کاری‌بو (روبر)، همان، ص ۲۷۷.

خطر ساز در گرو وجود و شناسایی عواملی برای حمایت کودکان و نوجوانان در آستانه خطر است. این عوامل حمایتی لزوماً عوامل خطر ساز را مهار نمی‌کنند، بلکه در کاهش آثار آن نیز مؤثرند. مهم‌ترین عوامل حمایتی چنین‌اند:

کم جمعیت بودن خانواده، بهره‌مندی کودک از مهر و محبت پدر و مادر، فعال بودن اعضای خانواده (به ویژه پدر)، داشتن یک پشتیبان (برادر یا خواهر بزرگتر یا آموزگار یا دوست خوب) ... همچنان که گفته شد، تأثیر عوامل حمایتی در عوامل خطر ساز همواره قطعی نیست. ولی، پژوهشها اثر عوامل حمایتی را در مهار یا کاهش اثر عوامل خطر ساز، روی هم رفته، مثبت ارزیابی کرده‌اند.^(۱)

با توجه به آنچه درباره پیش‌گیری زودرس گفته شد، مهم‌ترین ویژگیهای این گونه از پیش‌گیری را که پاره‌ای از خوبیها و کاستیهای آن را نیز نشان می‌دهد - به شرح زیر می‌توان برشمرد:

نخست، گرانیگاه پیش‌گیری زودرس را «آموزش و پرورش» (در معنای گسترده) تشکیل می‌دهد. به همین جهت، آن را می‌توان یک «پیش‌گیری آموزشی - پرورشی» نامید.^(۲)

دوم، تدابیر پیش‌گیری زودرس در بردارنده برنامه‌های گسترده‌ای برای پوشش همه کودکان، نوجوانان و حتی خانواده و دیگر محیطهای پیرامون آنهاست. به دیگر سخن، این برنامه‌ها هم فرد و هم محیط پیرامون او را در بر می‌گیرند.^(۳)

سوم، پیش‌گیری زودرس، از یک سو، نیازمند شناسایی عوامل خطر سازی است که فرایند جامعه‌پذیری فرد را با دشواری یا خلل روبه‌رو می‌سازند و از

۱. همان، ص ۲۷۹.

۲. مباحث در علوم جنالی، ص ۴۴.

۳. همان، ص ۴۴.

سوی دیگر، در گرو شناسایی عواملی است که با حمایت از فرد می تواند در مهار یا کاهش اثر عوامل خطر مؤثر باشند.

چهارم، گستردگی برنامه های پیش گیری زودرس به معنای بلند مدت بودن برون داد آنهاست و این بلند مدت بودن معمولاً از حوصله سیاست گذاران و دست اندرکاران مربوط بیرون است.

پنجم، برنامه های پیش گیری زودرس در بردارنده هزینه های هنگفتی است که ممکن است از مطلوبیت آن نزد سیاست گذاران بکاهد. این پیش گیری نیازمند تربیت مربیان، متخصصان، جرم شناسان، روان شناسان و متخصصان علوم تربیتی و کادر آموزش دیده ای است که بتوانند از عهده اجرای درست برنامه های آن برآیند. (۱) به دیگر سخن، رویکرد پیش گیری زودرس یک رویکرد کلان به پیش گیری از جرم تا سطح فرهنگ جامعه است.

۲- پیش گیری محیط اجتماعی یا اجتماع مدار

برخلاف پیش گیری زودرس یا رشدنگر که تأکید آن همواره روی فرد و سپس محیط پیرامون اوست، پیش گیری محیط اجتماعی یا اجتماع مدار بر محیط جامعه - به طور کلی و نامحدود به فرد یا افراد خاصی - تأکید می کند. اگر پیش گیری زودرس جلوه ای از پیش گیری دومین به شمار می رود، پیش گیری اجتماع مدار به منزله جنبه دیگر پیش گیری اجتماعی - برجسته ترین تعبیر از پیش گیری نخستین است که در آن به «بهبود عمومی رفاه عمومی» (۲) یا «بهبود شرایط زندگی» (۳) اهمیت داده می شود.

این به آن معناست که ارتباط میان سیاست جنائی و سیاستهای اجتماعی از رهگذر مسائلی چون آموزش و پرورش، مسکن، درآمد، اشتغال و... برای حل معمای پیچیده جرم مورد بازبینی و ساماندهی دوباره قرار گرفته

۱. کاری بو (روبر)، همان، ص ۲۹۵.

۲. همان، ص ۲۷۳.

۳. نجفی ابرنآبادی (علی حسین)، همان، ص ۱۳۸.

است. پیش‌گیری اجتماع‌مدار که دست‌آورد مهم این ارتباط است، از اصول زیر پیروی می‌کند:

- در کنار تفسیرهای فردگرایانه از جرم باید به عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز توجه کرد.

- رویکردهای سنتی سرکوبگرانه در برابر تأثیر کمی که بر میزان بزهکاری دارند، سرمایه‌های جامعه را هدر می‌دهند.

- سیاست جنائی باید با در نظر گرفتن دیگر راهبردهای اجتماعی تنظیم شود.

- برای اجرای واقع‌گرایانه یک سیاست اجتماعی پیش‌گیری از جرم باید منابع کافی در اختیار داشت.^(۱)

اگرچه بیشترین سخن درباره پیش‌گیری اجتماع‌مدار، امروز از اروپا به گوش می‌رسد، واقعیت آن است که کشورهای آمریکای شمالی (آمریکا و کانادا) در این زمینه پیشگام بوده‌اند. بر همین پایه، تأثیر برخی مکاتب فکری وابسته به این بخش از جهان - مانند مکتب شیکاگو و الگوی بوم‌شناسی جنائی - در پیش‌گیری اجتماع‌مدار آشکار است. تدابیر پیش‌گیرانه اجتماع‌مدار در این دیدگاه روشهایی را دربرمی‌گیرد که ایجاد دگرگونی‌هایی را در برخی محله‌ها یا منطقه‌های همجوار دنبال می‌کند. از آنجا که بر پایه پژوهشهای مکتب شیکاگو بزهکاری در برخی منطقه‌های شهری بیش از منطقه‌های دیگر است و این میزان بزهکاری بیش از آنکه به ساکنان این محله‌ها مرتبط باشد به خود این محله‌ها مربوط است، خراب کردن این منطقه‌ها شاید راه مناسبی برای مهار و پیش‌گیری از بزهکاری در این محله‌ها باشد.

بازتاب اندیشه پیش‌گیری اجتماع‌مدار بر پایه پیش‌گیری محیطی به

1. *Ibid*, p.45.

پیدایش نظریه‌هایی در جرم‌شناسی انجامیده است که طرح معماری را در میزان ارتکاب جرم مؤثر می‌شمارند. در باور این نظریه‌پردازان نبودن فضای دفاع‌پذیر در معماری ممکن است به گسترش بزهکاری بینجامد. برعکس، فضاهایی از ساختمانها و محوطه آنها که افزایش حس مالکیت را موجب می‌شود و ساکنان آن می‌توانند از آن مراقبت کنند، کاهش بزهکاری را به همراه دارند.

بدین ترتیب، می‌توان گفت که در کنار جنبه آموزشی - پرورشی پیش‌گیری کنشی رهیافت دیگری وجود دارد که بر پایه جنبه‌های فنی استوار است. این رهیافت، پیش‌گیری کنشی را به سوی یک «سیاست تقویت آماج جرم»^(۱) کشانده است که در آن بیشتر بر عوامل وضعی (موقعیتی) در محیط تأکید می‌شود تا عوامل اجتماعی (جامعه‌مدارانه).

ب) پیش‌گیری کنشی از راه فناوری: پیش‌گیری وضعی یا رویکرد موقعیت‌مدار به پیش‌گیری

پیش‌گیری وضعی یا موقعیت‌مدار در ساده‌ترین تعریف یعنی پیش‌گیری از جرم با تدابیری که بر موقعیت‌های محیطی و زمینه‌ساز جرم یا وضعیت‌های پیش‌جنائی محیطی تأثیر می‌گذارند. بر خلاف دیگر دستاوردهای امروزی در جرم‌شناسی، اصطلاح پیش‌گیری وضعی یک نوآوری انگلیسی است^(۲) که رونالد کلارک - استاد دانشگاه دولتی نیوجرسی و مدیر پیشین دپارتمان پژوهش‌های جرم‌شناسی انگلستان - و تنی چند از همکاران او در دهه ۱۹۸۰ به نوشته‌های جرم‌شناسی و علوم جنائی وارد کردند.^(۳) کلارک در کتاب

1. policy target hardening.

۲. البته همچنان که دیدیم پیش‌گیری وضعی بنیادهای خود را از نظریه آمریکایی «پیش‌گیری محیطی» گرفته است که با تأکید بر مفاهیمی چون «فضای دفاع‌پذیر» پیش‌گیری از جرم را در چهارچوب یک سیاست تقویت آماج جرم ممکن می‌داند. رک: نجفی ابرندآبادی (علی‌حسین) و هاشم‌بیگی (حمید)، ص ۱۵۵-۶.

۳. صفاری (علی)، مبانی نظری پیش‌گیری از وقوع جرم، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید

«پیش‌گیری وضعی از جرم: مطالعات موردی موفقیت‌بار» پیش‌گیری وضعی را تدابیر و روش‌هایی تعریف می‌کند که برای کاهش فرصت به سوی شکل کاملاً خاصی از جرم نشانه می‌رود و نیازمند طراحی و مدیریت محیط مستقیم (صحنه و محل وقوع جرم) یا همان نظارت و زیرنظارت در آوردن هرچه پایدارتر و سازمان‌یافته‌تر محل وقوع جرم است، به گونه‌ای که سختی و خطر اقدام برای ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد و سودانگاری مجرمانه را پایین می‌آورد.^(۱) به دنبال دیدگاه‌های کلارک جرم‌شناسان دیگری - مانند نایجل ساوت^(۲) (جرم‌شناس انگلیسی) - تعریف‌هایی نزدیک با تعریف کلارک از پیش‌گیری وضعی ارائه کردند. در تعریف ساوت، پیش‌گیری وضعی بر اداره، طراحی و کنترل محیط فیزیکی (ساخته شده) متکی است، به این منظور که فرصت‌های ارتکاب جرم را کاهش داده یا خطر پیگرد [مرتکب] را در صورت مؤثر واقع نشدن بازدارندگی [کیفر قانونی جرم ارتکابی] افزایش دهد.^(۳)

با این توضیح، کاهش وضعی‌های پیش‌جنائی تسهیل‌کننده جرم و افزایش خطر شناسایی و دستگیری بزهکار را دو ضلع اصلی پیش‌گیری وضعی می‌توان برشمرد. پس، پیش‌گیری وضعی یعنی حفاظت از آماج‌های جرم با به کارگیری تدابیر (ابزارهای) فنی (مانند روشنایی کوچه‌ها، نصب دزدگیر برای خودرو و ...) برای حمایت از افراد آسیب‌پذیری که در آستانه بزه‌دیدگی قرار

← بهشتی، شماره ۳۴، ۱۳۸۰، ص ۲۹۰. (گویا در درج عنوان این مقاله اشتباهی رخ داده، زیرا موضوع آن به «پیش‌گیری وضعی» اختصاص دارد. بنابر این، مقاله یاد شده تنها در مقام بررسی «مبانی نظری پیش‌گیری وضعی از وقوع جرم» است که نویسنده مقاله نیز در جایی دیگر به آن تصریح کرده است. ر.ک: صفاری (علی)، انتقادات و ولده بر پیش‌گیری وضعی از جرم. مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۶-۳۵، ۱۳۸۱، ص ۱۹۵).

۱. صفاری (علی)، مبانی نظری پیش‌گیری از جرم، ص ۲۹۲.

2. Nigel South.

۳. صفاری (علی)، همان، ص ۲۹۸.

دارند (بزه‌دیدگان احتمالی) و پیامد مهم آن کاهش بزهکاری است. بدین ترتیب، پیش‌گیری وضعی را یکی از دستاوردهای «بزه‌دیدة شناسی»^(۱) باید دانست، زیرا در آن با کاهش وضعیتهای پیش‌جنائی جرم‌زا هدف مبارزه با «عوامل بزه‌دیدة‌زا» دنبال می‌شود. همچنان‌که پیش‌تر نیز گفته شد، بیشتر برنامه‌های پیش‌گیری وضعی دربرگیرنده یک «سیاست تقویت آماج جرم» است که به عوامل وضعی (موقعیتی) بیش از عوامل اجتماعی اهمیت می‌دهد. سیاست تقویت آماج جرم روشی است که با افزایش آماجهای جرم رویداد جنائی را دشوارتر می‌سازد و از سوی پلیس بسیار حمایت می‌شود.^(۲) استقرار پلیس در فضاهای جغرافیایی معین یا گشتهای پلیسی در مکانهای معین نمونه‌های برجسته‌ای از این سیاست‌اند. زیرا، در چنین مواردی وضعیت و شرایط پیش‌جنائی به ضرر بزهکار دگرگون می‌شود و او را از ارتکاب جرم - دست کم در آن محدوده یا نسبت به آن آماج حفاظت شده - متصرف می‌سازد. به همین دلیل، از گشتهای پیاده و سواره پلیسی به منزله «پیش‌گیری پویا»^(۳) یاد می‌شود، زیرا «فرایند‌گذار اندیشه مجرمانه به فعل» را قطع یا مختل می‌کنند.^(۴)

جرم‌شناسان برای تبیین رویکرد پیش‌گیری وضعی «نظریة فرصتها» را مطرح ساخته‌اند. این نظریه برای تبیین چگونگی فراهم شدن زمینه رویداد

۱. victimology یکی از گرایشهای نو جرم‌شناسی است که در نخستین گام به مطالعه نقش و سهم بزه‌دیدة در فرایند ارتکاب جرم می‌پردازد (بزه‌دیدة شناسی علمی یا نخستین) و در گام دوم، حمایت از بزه‌دیدگان را در چهارچوب یک الگوی چندگانه حمایتی (حمایت اقتصادی، حقوقی، عاطفی، روانی، پزشکی، اجتماعی...) مطرح می‌کند (بزه‌دیدة شناسی حمایتی یا دومین). برای آگاهی بیشتر ر.ک: رایجیان اصلی (مهرداد)، بزه‌دیدة در فرایند کیفری، انتشارات خط سوم، ۱۳۸۱؛ رایجیان اصلی (مهرداد)، [ترجمه] سه گفتار تطبیقی در بزه‌دیدة شناسی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۶، بهار ۱۳۸۳.

۲. نجفی ابرندآبادی (علی حسین) و هاشم‌بیکی (حمید)، همان، ص ۳۲۳.

3. dynamic prevention.

۴. نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، همان، ص ۱۴۰.

جنائی و فرایند گذار اندیشه به عمل مجرمانه به معرفی دو الگو می‌پردازد: یکی الگوی نوع فعالیت‌های روزمره افراد، و دیگری الگوی سبک و شیوه زندگی افراد. بر پایه الگوی نخست پاره‌ای شغلها و فعالیتها خطر بزه‌دیدگی را افزایش می‌دهند. برای نمونه، کسانی که در حلیه آبادها به سر می‌برند، بیش از کسانی که در محله‌های مسکونی متعارف زندگی می‌کنند، در آستانه خطر بزه‌دیدگی قرار دارند، زیرا امکان ارتباط پیدا کردن حلیه‌آبادنشینها با افراد کزرو یا بزهکار بیشتر است. همین وضعیت را می‌توان درباره کودکان خیابانی و دختران فراری تصور کرد.

بدین ترتیب، در «نظریه فرصتها» مجاورت جغرافیایی - اجتماعی یا روابط شغلی عواملی شناخته می‌شوند که ممکن است فرد را در آستانه بزه‌دیدگی قرار دهند. به طور کلی، اندازه تأثیرگذاری پیش‌گیری وضعی بر میزان جرائم به موارد زیر بستگی دارد:

- شمار آماج‌های مستعد جرم؛
 - میزان سهولت دسترسی به این آماجها؛
 - میزان جاذبه این آماجها؛
 - میزان خطر ناشی از ارتکاب جرم برای بزهکار؛
 - شمار گزینه‌های بزهکار برای رسیدگی به هدف؛^(۱)
- با توجه به این معیارها، مهم‌ترین کاربردهای پیش‌گیری وضعی را به شرح زیر می‌توان برشمرد:

- کاهش آسیب‌پذیری آماج جرم (مانند نصب دزدگیر برای خودرو)؛
- حذف آماج‌های جرم (مانند جانشین کردن کارتهای اعتباری به جای پول نقد)؛

۱. نجفی ابرندآبادی (علی حسین)، *تقریبات دوس جرم‌شناسی*، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، نیمسال اول ۱۳۷۷-۷۸ (این جزوه به مجموعه «مباحثی در علوم جنائی» راه نیافته است).

- حذف ابزارهای ارتکاب جرم (مانند ممنوع ساختن حمل سلاحهای گرم و سرد)؛

- کاهش درآمدهای به دست آمده از جرم (مانند رمزگذاری روی اشیای گران بها)؛

- تقویت نظارت رسمی از آماجهای جرم (مانند استخدام نگهبان یا سرایدار برای خانه‌های ویلایی یا مجتمعهای آپارتمانی)؛

- به‌کارگیری مدیریت محیطی (مانند یکسان کردن ساعت تعطیلی مغازه‌ها و فروشگاهها).^(۱)

اگرچه بیان پیش‌گیری وضعی از کارآیی نسبی آن در کاهش جرائم حکایت می‌کند، این دستاورد جرم‌شناسانه نیز از انتقاد مصون نمانده است. عمده‌ترین ایرادهای وارد به پیش‌گیری وضعی به دو دسته (ایراد فرصت‌مدار بودن و ایراد جابه‌جایی جرم) بخش می‌شوند:

بر پایه ایراد نخست، گفته می‌شود که پیش‌گیری وضعی - آنچنان که بر پایه «نظریه فرصتها» استوار است - تنها درباره جرمهای فرصت‌مدار^(۲) کارآیی دارد که در آنها «سودمندی بیش از هر چیز دیگر مهم است و به همین دلیل به آنها «جرمهای سودمند یا ابزاری»^(۳) نیز گفته می‌شود. یعنی جرمهایی که به ایجاد فرصت مناسب یا همان سود داشتن همراه با زیان و خطر کمتر برای مرتکب وابسته‌اند. نمونه برجسته چنین جرمهایی «سرقه» است که هیچ چیزی در آن به اندازه سود مادی (از راه ربودن مال دیگری) برای مرتکب مهم نیست و با توجه به گستردگی گونه‌های آن پیش‌گیری وضعی متداول‌ترین ابزار برای مبارزه با آن به شمار می‌رود.^(۴)

۱. همان.

2. opportunistic crimes.

3. instrumental crimes.

۴. برای آگاهی بیشتر رک: صفاری (علی)، انتقادات وارده به پیش‌گیری وضعی، ص ۲۱۰.

دومین ایراد پیش‌گیری وضعیت‌مدار به «پدیده جابه‌جایی جرم» مربوط است. یعنی، تقویت آماجهای جرم و حفاظت از آنها سبب می‌شود که بزهدکاران - به‌ویژه، حرفه‌ای‌ها - با تغییر هدفهای خود به هدفهای حفاظت نشده یا کمتر تقویت شده رو آورند. این تغییر و جابه‌جایی ممکن است در مکان، زمان یا آماج ارتکاب جرم باشد. همچنین، جابه‌جایی ممکن است در نوع جرم ارتكابی رخ دهد.^(۱)

با وجود انتقادهایی که بر پیش‌گیری وضعی وارد شده است، امروزه این روش یک تدبیر کارآمد در پیش‌گیری از بزهدکاری به شمار می‌رود. زیرا، هرچند - به مانند دیگر تدابیر پیش‌گیرنده - نمی‌تواند به ریشه‌کنی جرائم بینجامد، تأثیر چشمگیری در کاهش جرائم می‌تواند داشته باشد.^(۲)

نتیجه‌گیری

«پیش‌گیری از جرم» رهیافتی دوگانه در سیاست جنائی است که راه جلوگیری از بزهدکاری یا کاهش آن را از رهگذر دیدگاههای حقوقی و جرم‌شناختی می‌پیماید. از دیدگاه حقوقی، هر یک از کارکردهای کیفرشناختی ضمانت اجراها ترجمان جنبه خاصی از پیش‌گیری در قلمرو سیاست جنائی‌اند. این کارکردها یا در چهارچوب یک راهبرد پیش‌رونده از راه جرم‌انگاری یا در چهارچوب یک راهبرد پس‌رونده از راه جرم‌زدایی و برپایه کارکردهایی چون ترساندن جمعی و عبرت‌آموزی پیش‌گیری از بزهدکاری را دنبال می‌کنند. در این دیدگاه، نقش قوانین کیفری از بعد پیش‌گیری واکنشی فراگیر بسیار تعیین‌کننده است. یک سیاست جنائی مطلوب می‌تواند با سازوکارهایی چون جرم‌انگاری و جرم‌زدایی به تنظیم قوانین کیفری و در نتیجه، پیش‌گیری

۱. همان، ص ۲۱۰.

۲. برای آگاهی بیشتر از پیش‌گیری وضعی ر.ک: مباحثی در علوم جنائی، پیش‌گیری از جرم، ص

واکنشی فراگیر کمک کند. در این بخش به نظر می‌رسد که قوانین کیفری ایران در انجام نقش پیش‌گیرانه خود چندان موفق عمل نکرده‌اند. زیرا، توازن و هماهنگی لازم میان راهبردهای پیش‌رونده و پس‌رونده به دلیل بهره‌گیری از جرم‌انگاریهای گسترده، در نظام عدالت جنائی ایران وجود ندارد.

در کنار پیش‌گیری واکنشی فراگیر نقشی که سازوکارهای پاسخ‌دهنده سیاست جنائی در پیش‌گیری واکنشی ویژه دارند نیز بسیار مهم است. پیش‌گیری واکنشی ویژه در چهارچوب دو سازوکار کیفرزدایی و قضازدایی بر پایه راهبرد پس‌رونده به جرم پاسخ می‌دهد. در اینجا هم، به دلیل نبودن یک سیاست جنائی منسجم راهبرد مشخصی در نظام عدالت جنائی ایران به چشم نمی‌خورد. آمیزه‌ای از قوانین پراکنده با جرم‌انگاریهای گوناگون که هر کدام در برارنده کیفرهایی با کارکردهای متفاوت‌اند، گویای این انسجام نیافتگی است.^(۱) اگرچه در پاره‌ای موارد بستر مناسبی برای به کارگیری سازوکارهایی چون «کیفرزدایی» وجود دارد،^(۲) در سطح سیاست جنائی قضائی گرایش چندان برای بهره‌مندی از آنها به چشم نمی‌خورد.^(۳) خوشبختانه با تصویب «قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»^(۴) بستر مناسب برای هماهنگ ساختن راهبردهای پیش‌رونده و پس‌رونده در نظام عدالت جنائی ایران فراهم شده است. این قانون مهم‌ترین مرحله تحقق جامعه آرمانی چشم‌انداز توسعه کشور برای سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ به شمار می‌رود.^(۵) در فصل یازدهم از این قانون (زیر عنوان توسعه

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: نوربها (رضا)، نگاهی به قانون مجازات اسلامی، صص ۱۱-۷۳.

۲. ر.ک: رایجیان اصلی (مهرداد)، همان، ص ۱۱۲ و بعد.

۳. در این زمینه می‌توان به بخشنامه شماره ۱/۸۰/۷۴ - به تاریخ ۱۳۸۰/۱/۷ رئیس قوه قضائیه درباره به کارگیری بیشتر تعلیق اجرای کیفر نسبت به مجرمان اتفاقی و تکرارکنندگان جرم اشاره کرد.

۴. روزنامه رسمی، سال شصت، شماره ۱۷۳۷۵، چهارشنبه ۱۳۸۳/۷/۲۹، صص ۱-۲۶.

۵. لایحه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۲)، ←

امور قضائی) قوه قضائیه موظف شده است تا برای جلوگیری از آثار بد برخاسته از جرم‌انگاری در حوزه تخلفات و جرمهای کم اهمیت و کاهش هزینه‌های نظام عدالت جنائی و جلوگیری از گسترش بی‌رویه قلمرو حقوق جزا و تضییع حقوق و آزادیهای عمومی لایحه‌ای درباره «جرم‌زدایی از قوانین کیفری» (بند الف - ماده ۱۳۰) و نیز برای بهره‌گیری از روشهای نوین اصلاح و تربیت مجرمان در جامعه و ایجاد تناسب بیشتر میان جرم و مجازات و شخصیت مجرم لایحه‌ای درباره «جایگزینهای مجازات زندان» (بند ب - ماده ۱۳۰) تهیه و برای تصویب به مراجع صلاحیت‌دار بفرستد. همچنین، همسو با رویکرد پیش‌گیری و اکنشی ویژه یا همان پیش‌گیری از تکرار جرم، سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مکلف شده است تا برای بهبود وضعیت زندانها و بازپروری مناسب و اصلاح و تربیت زندانیان و با هدف بازگرداندن آنها به زندگی سالم اجتماعی (بازهم‌سازای اجتماعی) و کاهش بازگشت دوباره به جرم (کاهش تکرار جرم) تدابیری را مانند بهینه‌سازی فضاهای فیزیکی با اولویت توسعه کانونهای اصلاح و تربیت (بند الف - ماده ۱۳۲) و حمایت از خانواده زندانیان از رهگذر سازمانها و نهادهای مردمی... (بند ب - ماده ۱۳۲) به کار بندد.

اگرچه روند سیاست‌گذاری حاکم بر این قانون با دیگر بخشهای سیاست‌گذارهای حقوقی و قضائی کشور چندان همخوانی و هماهنگی ندارد،^(۱) به نظر می‌رسد همین اندازه از تلاشهای سیاست‌گذاران را در پی

۱- انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، دی‌ماه ۱۳۸۲، مقدمه.

۱. از آنجا که قانون برنامه چهارم توسعه به منزله سند مصوب هیئت وزیران به وسیله رئیس جمهور به مجلس تقدیم شده بود، به نظر می‌رسد دست‌کم در تهیه بخش مربوط به توسعه امور قضائی هماهنگی و تعامل لازم میان قوه مجریه و قضائیه وجود نداشته است. زیرا، وظایفی مانند تهیه لایحه جرم‌زدایی یا لایحه جایگزینهای زندان در حالی به موجب این قانون بر دوش دولت نهاده شده است که پیش‌تر لوایحی مشابه آن به طور جداگانه در قوه قضائیه تهیه شده بود و هم اکنون مراحل پایانی خود را برای تقدیم به مراجع ←

بردن به واقعیتها و نیازهای امروزی نظام عدالت جنائی باید به فال نیک گرفت و راه را برای اجرای هرچه بهتر سیاستها و برنامه‌های پیش‌بینی شده در این قانون هموارتر ساخت.

گذشته از دیدگاه حقوقی، پیش‌گیری از جرم را از دیدگاه جرم‌شناختی نیز می‌توان ارزیابی کرد. پیش‌گیری از جرم در این دیدگاه بر پایه ابزارهای آموزشی-پرورشی و فنی تعریف می‌شود. آمیزه‌ای از فرهنگ (در مفهوم آموزش و پرورش، اخلاق)، توسعه اجتماعی، و فناوری (در مفهوم دستاوردهای بشری و جلوه‌های تمدن امروزی) مؤلفه‌های مهم پیش‌گیری از جرم در این دیدگاه را تشکیل می‌دهند. از آنجا که این گونه از پیش‌گیرها (پیش‌گیری کنشی اجتماعی و موقعیت‌مدار) باید با توجه به عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و با در نظر گرفتن راهبردهای اجتماعی مشخصی طراحی شوند، موفقیت آنها در گرو برنامه‌ریزیهای دقیق، گسترده و کلانی است که بیش از هر چیز به منابع و امکانات کافی نیاز دارد. در ایران، زمینه‌های به کارگیری پیش‌گیری کنشی اجتماعی و موقعیت‌مدار، دست‌کم در سطح قانون‌گذاری، پیش‌بینی شده است. در اینجا نیز در «قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» مقرراتی به چشم می‌خورد که آنها را می‌توان جلوه‌هایی از یک پیش‌گیری اجتماعی - در مفهوم گسترده آن - به‌شمار آورد. برپایه ماده ۳ از فصل یکم بخش نخست این قانون (زیر عنوان «بسترسازی برای رشد سریع اقتصادی») دولت مکلف شده است با فراهم کردن زمینه‌هایی چون گسترش حمل و نقل عمومی و عملیاتی کردن سیاستهای مستقیم جبرانی تدابیری مانند کمک مستقیم و جبرانی به قشرهای آسیب‌پذیر (از رهگذر نظام تأمین اجتماعی) [بند ۱-الف] و کمک به گسترش و بهبود کیفیت حمل و نقل عمومی... [بند ۳-الف] را به کار بندد که یکی از

پیامدهای چنین تدابیری را می‌توان پیش‌گیری اجتماعی از بزهکاری دانست. در ماده دیگری از همین فصل دولت مکلف شده است تدابیری برای هویت بخشیدن به سیما و کالبد شهر و روستا، حفظ و گسترش فرهنگ معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی (بومی)، ایمن‌سازی شهرها و روستاها و ارتقای کیفیت ساخت‌وساز و ارائه خدمات شهری پیش‌بینی کرده و به کار بندد (ماده ۳۰) که بی‌گمان این تدابیر را می‌توان جلوه‌ای از یک پیش‌گیری محیطی از بزهکاری نیز انگاشت. در فصل دیگری از همین بخش از لایحه (با عنوان «توسعه مبتنی بر دانایی») دولت موظف شده است برای تضمین دسترسی گسترده، امن و ارزان شهروندان به اطلاعات مورد نیاز، به منزله یک حق مسلم و ضرورت اساسی توسعه پایدار، به سیاست‌گذاری و تعیین راهبردها و هماهنگیهای لازم... پردازد (ماده ۴۴ از فصل چهارم). همچنین، تصریح به عبارت «توسعه فناوری» به منزله یکی از مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در ماده ۴۶ از همین فصل را جلوه دیگری از سیاست کلان می‌توان دانست که یکی از جنبه‌های مهم آن را «پیش‌گیری از جرم» تشکیل می‌دهد. این ماده دولت را مکلف ساخته که برای برپاسازی نظام جامع پژوهش و فناوری با هدف افزایش تأثیرگذاری پژوهش و فناوری در توسعه اجتماعی روشهای گوناگونی را (مانند تربیت نیروی انسانی روزآمد در فرایند پژوهش و فناوری) چاره‌اندیشی کند. این موضوع در ماده ۴۹ همین فصل به گونه دیگری مورد تأکید قرار گرفته و دولت موظف شده است «برای زمینه‌سازی و تربیت نیروی انسانی دانش‌مدار و مهارت‌یافته... با هدف توسعه کمی و کیفی نظام آموزش عالی کشور تدابیری مانند اصلاح ساختار دانشگاهها...» را به کار بندد.

در کنار مقرراتی که آنها را به گونه‌ای زمینه‌هایی برای پیش‌گیری از بزهکاری می‌توان انگاشت، فصل هفتم از بخش سوم قانون «ارتقای سلامت و بهبود کیفیت زندگی» به روشنی موضوع پیش‌گیری را مورد تأکید قرار داده است. در ماده ۸۵ از این فصل دولت مکلف شده لایحه‌ای برای

حفظ و ارتقای سلامت افراد جامعه و کاهش خطرهای تهدیدکننده سلامتی همسو با عنوان این فصل یعنی ارتقای سلامت و بهبود کیفیت زندگی - که یکی از مفاهیم مهم در پیشگیری اجتماعی به شمار می‌رود، تهیه و برای تصویب به مجلس ارائه کند. همچنین، بر پایه ماده ۸۶ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دیگر دستگاههای مربوط مکلف شده‌اند برنامه‌هایی برای کاهش رفتارهای جنسی پرخطر، کاهش خطرهای فردی و اجتماعی رفتارهای جنسی پرخطر، کاهش خطرهای زیانهای فردی و اجتماعی اعتیاد، پیشگیری و درمان بیماری ایدز و نیز برنامه‌هایی برای کاهش بار بیماریهای روانی تدوین کرده و به اجرا درآورند. ماده ۹۷ از فصل هشتم (زیر عنوان ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی) دولت را مکلف می‌کند که برای پیشگیری و کاهش آسیبهای اجتماعی، نسبت به تهیه طرح جامع کاهش آسیبهای اجتماعی، با تأکید بر پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر، در محورهای گوناگون (به شرح زیر ماده) اقدام کند. یکی از این محورها که آن را می‌توان ترجمان پیشگیری اجتماعی دانست پیشگیری [نخستین] از بروز آسیبهای اجتماعی از [رهگذر] اصلاح برنامه‌های درسی دوره‌های آموزش عمومی و پیش‌بینی آموزشهای اجتماعی و ارتقای مهارتهای زندگی توسط وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما... و [دیگر] نهادهای فرهنگی و آموزشی است [بند د]. همچنین در بند دیگری از این ماده تهیه طرح ملی مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان با هدف پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و قاچاق آن با به کارگیری همه امکانات و توانمندیهای ملی [بند ز]؛ در اولویت قرار دادن راهبرد کاهش آسیب و خطر... [بند ۱-ز]؛ جلوگیری از تغییر الگوی مصرف مواد مخدر به داروهای شیمیایی و صنعتی [بند ۳-ز]؛ جلوگیری از هرگونه تطهیر درآمدهای ناشی از فعالیت‌های مجرمانه مواد مخدر... [بند ۴-ز]... و تقویت نقش مردم و سازمانهای غیردولتی در... پیشگیری از اعتیاد

[بند ۶-ز]، یعنی همان پیش‌گیری اجتماعی در چهارچوب یک سیاست جنائی مشارکتی، از وظایف دولت شمرده شده است.

بخش دیگری از این قانون که در آن به مقرراتی در زمینه پیش‌گیری اجتماعی اشاره شده، بخش پنجم (زیر عنوان «تأمین مطمئن امنیت ملی») است. در ماده ۱۱۹ از فصل دهم این بخش (با عنوان «امنیت ملی») دولت موظف شده است برای ارتقای امنیت عمومی و انضباط اجتماعی اقدامهایی مانند آموزش عمومی و ترویج فرهنگ قانون‌مداری، نظم، مدارا و زندگی سالم (بند الف)؛ توسعه خطوط مواصلاتی، راه‌های مرزی و ارتقای مراودات و تبادل اطلاعات با کشورهای منطقه و همسایگان با هدف مهار جرائم، قاچاق کالا و مواد مخدر، رفت‌وآمد غیرمجاز و خرابکاری، در چهارچوب توافق‌نامه‌های دویا چند جانبه و ترتیبات امنیت جمعی (بند ب)؛ تهیه طرح راهبردی توسعه نظم و امنیت کشور با رویکرد جامعه‌محوری، مشارکت همگانی و جانشینی ارزشها و کنترل‌های درونی به جای رویکرد امنیتی و ارتقای احساس امنیت در جامعه (بند و)؛ مبارزه با زمینه‌های بروز بی‌هنجاری، ناسازگاری اجتماعی، خشونت سیاسی و خشونت شهری^(۱) (بند ز) و تهیه سازوکارهای لازم جهت توسعه مشارکت مردمی برای تأمین نظم و امنیت عمومی (بند ط) به کار بندد. اگر ضرورت و اهمیت پیش‌گیری اجتماعی به گونه‌ای که دیدیم امروز دست‌کم در سطح قانون‌گذاری احساس شده است، رویکرد موقعیت‌مدار به پیش‌گیری از جرم در چند سال گذشته به صورت اقدامهایی پراکنده و نه در چهارچوب یک سیاست کلان جای خود را در جامعه باز کرده است. اقدامهایی مانند نصب دزدگیر برای خودروها، نصب حفاظهای آهنی برای درهای ورودی خانه‌ها (و حتی واحدهای آپارتمانی) و بهره‌گیری از کارتهای اعتباری به جای

۱. درباره خشونت شهری رک: عامری سیاهویی (حمیدرضا)، خشونت در رویارویی با شهرسازی و معماری نوین، امنیت، نشریه وزارت کشور، شماره ۲۰-۱۹، ۱۳۷۹، ص ۲۱ و بعد.

پول نقد نمونه‌های برجسته‌ای از «پیش‌گیری وضعی یا موقعیت‌مدار»ند که بسیاری از مردم با بهره‌گیری از آنها خود را هرچند به گونه‌ای ناخودآگاه - در برابر بزهکاری بیمه می‌کنند. به این نمونه‌ها باید نصب سرعت‌گیرها را برای پیش‌گیری از بروز تصادفهای رانندگی - که خود ممکن است به جرمهای مهمی چون قتل نیز بینجامد - بیفزاییم که به تازگی در بیشتر خیابانها و کوچه‌های شهرهای ما دیده می‌شود.

اکنون که بیش از دو دهه از عمر نظام عدالت جنائی پس از انقلاب ایران می‌گذرد، این نظام خود را با مسائل و پدیده‌های اجتماعی تازه‌ای - مانند تراکم جمعیت، جوان بودن جمعیت، مسئله مواد مخدر، بیماریهای خطرناکی چون ایدز و ... - روبه‌رو می‌بیند که تنها با اتکا به قوانین موجود نمی‌تواند از عهده مهار یا کاهش آنها برآید. اگر هیچ‌کشوری نمی‌تواند سودای مهار کامل بزهکاری را در سر بپروراند، نظام عدالت جنائی ایران نیز بی‌گمان خود را نباید به رؤیای تعبیرناپذیر ریشه‌کنی همه جرائم بسپارد. ولی، این واقعیت را هم نباید نادیده گرفت که پیش‌گیری از جرم در چهارچوب یک سیاست کلان می‌تواند از گستره عوامل جرم‌زا و مسائل زمینه‌ساز بزهکاری بکاهد؛ سیاستی که مؤلفه‌های آن باید فراتر از روی کاغذهای کتاب قانون و بیرون از دیوارهای نهادهای اجراکننده قانون، در بطن جامعه رنگ واقعیت به خود بگیرد.